

مطالعات کُردشناسی در ایران: مروری بر موضوعات و رهیافت‌ها

احمد محمدپور

بخش مردم‌شناسی دانشگاه واندربیلت، امریکا

مهدی رضائی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

مقدمه

مسایل و مباحث سیاسی و تاریخی پیرامون "کُردها" در خاورمیانه در خلال قرن اخیر به صورت کل و مشخصاً در چند سال گذشته از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این جایگاه چه از حیث ژئوپولیتیک و چه از بُعد علمی—دانشگاهی زمینه‌ای برای تولید ادبیات نظری و پژوهشی وسیع درباره کُردها فراهم آورده است. با این حال، علی‌رغم

'هرگاه به آثار تألیف یا ترجمه‌شده به زبان کُردی اشاره حفظ امانت املائی کُرد به صورت کورد آمده است. شده، به پیروی از رسم‌الخط مندرج در منبع و برای

Ahmad Mohammadpur and Mehdi Rezaei, "Kurdish Studies in Iran Revisited: An Overview of the Theoretical and Methodological Approaches," *Iran Namag*, Volume 1, Number 4 (Winter 2017), 172-208.

احمد محمدپور جامعه‌شناس و مردم‌نگار کُرد ایرانی است که در حوزه مردم‌شناسی فرهنگ و سیاست در کردستان ایران و عراق و همچنین روش‌شناسی در علوم اجتماعی تخصص دارد. او تحقیقات مردم‌نگاری وسیعی در کردستان ایران، از جمله اورامان، سردشت، مهاباد و بانه صورت داده است. محورهای پژوهشی عمده او عبارت‌اند از فلسفه علوم اجتماعی، رهیافت‌های تحقیق اجتماعی، و تغییرات اجتماعی در کردستان. سال‌ها در دانشگاه بوعلی‌سینای همدان و دانشگاه صلاح‌الدین در اربیل اقلیم کردستان عراق تدریس کرده و هم‌اکنون استادیار پژوهشی مردم‌شناسی در دانشگاه واندربیلت امریکاست. از جمله آثار او می‌توان به مجموعه سه جلدی روش‌شناسی در علوم انسانی، از سنت به نوسازی، تجربه نوسازی، سیاست‌های روش (در دست چاپ) و دو جلد تاریخ به روایت فلسفه: فلسفه و روش در علوم تاریخی (در دست چاپ) اشاره کرد.

Ahmad Mohammadpur <ahmad.mohammadpur@vanderbilt.edu>

مهدی رضائی مهدی رضائی جمعیت‌شناس و مردم‌نگار کُرد ایرانی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور است. مطالعات میدانی متعددی با همکاری احمد محمدپور در مناطق گوناگون کردستان ایران صورت داده است. حوزه‌های پژوهشی او عبارت‌اند از جمعیت‌شناسی انسان‌شناختی و تغییرات اجتماعی و جمعیتی در کردستان.

Mehdi Rezaei <rezaeimehdi1@gmail.com>

تلاش‌های گوناگون برای فهم جامعه و فرهنگ گُردستان، روایت‌هایی گوناگون و گاه متناقض از واقعیت‌های درون این فرهنگ عرضه شده که فهم آن را از جایگاه موضوعی صرفاً علمی به عرصه‌ای برای نبرد روایت‌ها ارتقا داده که خود بر پیچیدگی و ابهام‌های مرتبط با فرهنگ و جامعه در گُردستان افزوده است. بدین ترتیب، گستره تاریخ و فرهنگ گُردستان عمدتاً به مسایل سیاسی و قومی کاهش یافته است. این امر، نه تنها اهمیت مطالعات فرهنگی و اجتماعی را به حاشیه رانده، بلکه در بسیاری موارد تحقیقات علمی را نیز با نارسایی‌های نظری و روش‌شناختی مواجه ساخته است.

مقاله حاضر تأکید دارد که فرهنگ گُردها، مانند بسیاری از فرهنگ‌های دیگر، علی‌رغم شباهت‌های فرهنگی و تاریخی انکارناپذیر، از تنوع و گوناگونی چشمگیری نیز برخوردار است؛ تنوع مذکور از سویی به فرایندهای تغییر اجتماعی در درون خود جامعه گُردستان و از سوی دیگر به ارتباط تاریخی و فرهنگی گُردهای هر بخش با دولت و فرهنگ اقلیمی خاص آن برمی‌گردد. ماهیت و شیوه این ارتباط هر چه باشد، تأثیرات ریز و درشت تاریخی آن را بر آنچه امروزه در عرصه فرهنگ و سیاست در بین گُردها می‌گذرد نمی‌توان از نظر دور داشت. بر این اساس، تحلیل مسایل کنونی گُردها نه تنها باید تنوع فرهنگی بین آنها را در نظر داشته باشد، بلکه باید تبادل فرهنگی گُردها و فرهنگ‌های اقلیمی را نیز در نظر بگیرد. مطالعه کنونی تأثیرات هر دو عامل تغییرات درون‌زاد جامعه گُردستان و پیامدهای تبدلات فرهنگی جامعه گُرد با فرهنگ‌ها و دولت‌های اقلیمی را به تصویر کشیده است.

این مقاله در نظر دارد با اهدافی چند بر گُردستان ایران متمرکز شود. نخست، گزارشی نسبتاً جامع از وضعیت مطالعات گُردشناختی در ایران از حیث موضوع، دامنه و نیز مشارکت نویسندگان گُردزبان و غیرگُردزبان به دست می‌دهد.^۲ دوم، با بررسی منابع و نویسندگانی که در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند، تنوع موضوعی، رویکردهای نظری، رهیافت‌های روش‌شناختی و تا حد امکان گفتمان‌های حاکم بر مطالعات گُردشناختی را در ایران مشخص می‌سازد. سوم، مقاله حاضر می‌تواند زمینه‌ای هر چند محدود از حیث منبع‌شناسی برای محققان و علاقه‌مندان به مطالعات گُردشناسی در ایران به دست دهد. چهارم و در نهایت، از آنجا که مطالعات ایران‌شناختی بدون مطالعه ملل و فرهنگ‌های حاضر در جغرافیای آن ناممکن است، مقاله حاضر می‌تواند سهمی هر چند اندک در پربارشدن مطالعات ایران‌شناسی داشته باشد.

نویسندگان مقاله مدعی نیستند که همه منابع و مطالعات گُردشناختی موجود را دیده یا مطالعه کرده‌اند. دسترسی نداشته‌اند و از این رو در فهرست منبع‌شناسی ممکن است مطالعات متعدد ارزشمندی وجود داشته باشند که نویسندگان مقاله به دلایل گوناگون به آنها دسترسی نداشته‌اند. این مقاله نیامده باشند.

در این مقاله استدلال می‌شود که هر چند مطالعات کُردشناسی محصول تلاش‌های محققان و نویسندگان متعددی است که هر یک به شیوه‌ای در فهم جامعه و فرهنگ کردها نقش داشته‌اند، اما این تلاش‌ها هم‌زمان موجب برساخت روایت‌ها و تصویرسازی‌های خاصی از آن نیز شده‌اند. بدین ترتیب، از دریچه هر یک از مطالعات یا نویسندگان می‌توان به تصویری متمایز از کُرد یا کُردستان دست یافت. به عبارت دیگر، مطالعات کُردشناختی نه تنها با واقعیت‌های فرهنگی و سیاسی، بلکه با بازنمایی‌های چندگانه و گاه متناقض از آن نیز گره خورده است. کُرد و کُردستان در هر کدام از این گفتمان‌ها یا نوشته‌ها در اشکال و سطوحی متفاوت رسمیت می‌یابند. هر کدام از آنها، بنا به خصلت گفتمان، عناصری خاص را برجسته‌تر و عناصری را مکتوم می‌سازند. از این رو، شیوه بازنمایی سوژه مورد نظر—در اینجا کُرد و کُردستان—را تعیین می‌کند. بر این اساس، پرسش‌هایی از این دست قابل طرح‌اند: مطالعات کُردشناسی در ایران در چارچوب چه گفتمان‌هایی صورت گرفته‌اند؟ گفتمان حاکم یا گفتمان‌های رقیب در این زمینه کدام‌اند؟ حدود و ثغور جغرافیای سرزمینی و نظری در مطالعات کُردشناسی در ایران کجاست؟ مطالعات کُردشناسی در ایران عمدتاً بر چه نواحی یا وقایعی متمرکزند؟ در میان خود کردها در ایران چه نوع گفتمان یا گفتمان‌هایی بر مطالعات کُردشناسی غلبه دارند؟ در نهایت، کدام جریان‌های اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری و تداوم مطالعات کُردشناسی در ایران نقش داشته‌اند؟ قطعاً پاسخ دادن به این پرسش‌ها به تنهایی در توان این مقاله نیست، بلکه هدف اصلی مرور مطالعات و تا حد امکان طرح مسئله است. نویسندگان تأکید دارند که این مطالعه یک بررسی تحلیلی گفتمانی، گفتمان‌شناسی سیاسی یا حتی نقد و بررسی آثار منتشرشده در مطالعات کُردی نیست، بلکه بیش از هر چیز ارائه‌ی نمایی کلی از مطالعات کُردشناختی در ایران است که در صورت نیاز گاه به مضمون اصلی برخی از این مطالعات اشاره‌ای اجمالی شده و در چارچوب چنین نمایی گریزهایی محتاطانه به گفتمان‌های حاکم و جهت‌گیری‌های آنها نیز زده است.^۲

دوره زمانی بررسی این مقاله از قرن نوزدهم تاکنون را شامل می‌شود. این مهم مستلزم بذل توجه به آثاری است که از سوی نویسندگان کُرد و غیرکُرد داخل و خارج ایران با

آدر زمینه گفتمان‌شناسی مطالعات کُردشناختی، به‌ویژه مطالعات نویسندگان غربی، مطالعه‌ای منسجم در قالب رساله دکتری در دانشگاه تهران صورت گرفته است. بنگرید به جلیل کریمی، «نظریه پسااستعماری و کُردشناسی» (رساله دکتری جامعه‌شناسی نظری، فرهنگی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹)؛
Jalil Karimi, Ahmad Mohammadpur and Karim Mahmoodi, "Dismantling Kurdish Texts: An Orientalist Approach," *Contemporary Review of the Middle East*, 2:3 (September 2015), 220-237.

هر نوع گرایش فکری نوشته شده‌اند. همچنین، ناگزیر از مرور آثاری است که به خامه نویسندگان غربی نوشته شده و در ایران یا خارج از ایران به زبان کردی یا فارسی ترجمه شده‌اند. حتی گاه به مطالعاتی اشاره شده است که نویسندگان کرد و غیرکرد ایران به زبان انگلیسی نوشته و به فارسی یا کردی ترجمه شده‌اند.^۴ منابع مورد استفاده در این مقاله طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، از مطالعات منتشرشده به صورت کتاب، پژوهش‌های صورت گرفته از سوی برخی سازمان‌های دولتی، پژوهش‌های دانشگاهی در قالب پایان‌نامه و رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری، مقالات منتشرشده در مجلات محلی و سراسری کردستان ایران پیرامون کردها و کردستان و نهایتاً پژوهش‌هایی که برخی محققان بومی بنا بر علایق و گرایش‌های فکری به صورت شخصی انجام داده‌اند. در پایان باید به این نکته بسیار مهم اشاره کرد که مطالعه حاضر صرفاً به آثار نویسندگان به اصطلاح سرشناس نمی‌پردازد، بلکه مطالعاتی را نیز در بر می‌گیرد که نویسندگان کمتر شناخته‌شده، به‌ویژه نسل جدید محققان کردشناس در ایران، انجام داده‌اند. نویسندگان مقاله بر این باورند که اهمیت و اتصال نظری و عملی عمیق این دست از مطالعات را در فضای فرهنگی و اجتماعی کردستان ایران نمی‌توان نادیده گرفت. در ادامه، ضمن نگاهی اجمالی به مطالعات کردشناسی، بر مطالعات کردشناسی در ایران تمرکز خواهد شد.

زمینه عمومی مطالعات کردشناسی

مطالعات موجود در مورد کردها و کردستان در کشورهای مختلف و به زبان‌های گوناگون از تنوع بسیاری برخوردار است. به این تنوع می‌توان از چند زاویه نگریست. نخست، به لحاظ جغرافیای مورد مطالعه کردستان (کشورهای ترکیه، ایران، سوریه و عراق)؛ دوم، از حیث موضوع مورد مطالعه در کردستان (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)؛ و سوم، از بعد هستی‌شناختی مطالعات کردی یعنی اینکه چه کسی در مورد چه جایی/چه چیزی/چه کسی و چگونه می‌نویسد؟ به عبارت دیگر اینکه نویسندگان غیرکرد ساکن ایران (کرد، فارس، ترک، عرب و غیره) یا نویسندگان غربی چه چیزی درباره کردها و با چه رویکردی می‌نویسند.

مطالعات قابل توجهی از سوی نویسندگان و محققان کردزبان و غیرکردزبان—برای مثال محققان غربی، ترک، فارس و عرب—درباره کردها به‌طور کلی و کردهای ساکن

^۴ منابع نوشته‌شده به زبان کردی بیشتر مرجعی برای خوانندگان کرد است، اما منابع فارسی و انگلیسی یا منابع ترجمه‌شده مرجعی برای کردزبانان و غیرکردزبانان خواهند بود. از همین رو، منابع ترجمه‌شده به فارسی قابل چشم‌پوشی نبوده و در این مقاله به منزله منابعی در حوزه کردشناسی در ایران مد نظر قرار گرفته‌اند.

در هر یک از کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق به‌طور خاص صورت گرفته است. یکی از بهترین آثار مروری را در این باره برویین سن فراهم آورده است.^۵ او در مقاله‌ای با عنوان "مطالعات کردی در اروپای غربی و مرکزی" به تفصیل مطالعاتی را که محققان، دیپلمات‌ها و مؤسسات پژوهشی اروپایی درباره کردها انجام داده‌اند آورده است. از دید وی، بسیاری از مطالعات مربوط به کردها حاصل حضور سیاسی و نظامی دیپلمات‌ها یا سفرای کشورهای اروپایی و روسیه همچون نیکیتین،^۶ ادمونز،^۷ مینورسکی،^۸ ریچ،^۹ نوئل،^{۱۰} در مناطق مختلف کردستان بوده است.^{۱۱} با این حال، قبل از برویین سن چند نفر از نویسندگان کرد کتابی با عنوان مقدمه‌ای بر کردشناسی در اروپا به چاپ رساندند که جریان مطالعات کردشناختی را در آن ترسیم کرده‌اند.^{۱۲} از این نگاه، برخی دیگر از مطالعات کردشناختی نیز محصول مطالعات میدانی یا غیرمیدانی محققان دانشگاهی

Haqq of Iraq," *Iran* (1969), 89-106; C. J. Edmonds, "Kurdish Nationalism," *Journal of Contemporary History*, 6 (1971), 87-107.

^۸Veladimir Minorsky, "Kurdistan," in *Encyclopedia of Islam* (Leiden: Brill, 1927); Veladimir Minorsky, "Kurds," in *Encyclopedia of Islam* (Leiden: Brill, 1927).

^۹Claudius James Rich, *Residence in Kurdistan* (London: James Duncan and Paternoster Row, 1978).

این کتاب به زبان کردی نیز ترجمه شده است: کلودیوس جیمس ریچ، گه‌شتی پیچ بو کردستان، ۱۸۲۰، وه‌رگیپر محمد همه‌هه باقی (سه‌فزه: محمدی، ۱۳۷۱).

^{۱۰}Edward William Charles Noel, *Diary of Major Noel in Special Duty in Kurdistan* (n.p., n.d.).

این کتاب به زبان کردی ترجمه شده است: مه‌یجیر نوئیل، یادداشت‌ه‌کانی مه‌یجیر نوئیل له کوردستان، وه‌رگیپران حسین جاف، حسین عوسمان نیرگسه جاپری (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا).

^{۱۱}الزام به ذکر است که برخی از مطالعات نویسندگان غیرکردزبان در ایران را کسانی نوشته‌اند که از مناصب اداری، مدیریتی یا نظامی در آن منطقه برخوردار بوده‌اند.

^{۱۲}این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است: فئات گردو، مسعود محمد، جمال نَبز و عبدالرحمن معروف، مقدمه‌ای بر کردشناسی در اروپا، ترجمه محمد رئوف یوسفی‌نژاد (تهران: آتیه، ۱۳۷۹).

^۵Martin van Bruinessen, "Kurdish Studies in Western and Central Europe," *Wiener Jahrbuch fur Kurdische Studien*, 2 (2014), 17-88.

^۶Basile P. Nikitine and Ely B. Soane, "The Tale of Suto and Tato: Kurdish Text with Translation and Notes," *Bulletin of the School of Oriental Studies*, 3:1 (1923), 69-106; Basile P. Nikitine, "Où en est la Kurdologie?" *Annali del Reale Istituto Orientale di Napoli*, 9 (1936), 1 and 121-125; Basile P. Nikitine, *Les Kurdes, Étude Sociologique et Historique* (Paris: Klincksieck, 1956).

این کتاب به فارسی ترجمه شده است: واسیلی نیکیتین، کرد و کردستان: مطالعه جامعه‌شناختی و تاریخی، ترجمه محمد قاضی (تهران: نیلوفر، ۱۳۶۶).

^۷C. J. Edmonds, "Suggestions for the use of Latin Character in the Writing of Kurdish," *Journal of the Royal Asiatic Society* (1931), 27-46; C. J. Edmonds, *Kurds, Turks and Arabs: Politics, Travel and Research in North-Eastern Iraq, 1919-1925* (London: Oxford University Press, 1957).

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است: سی. جی. ادمونز، کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: روزبهان، ۱۳۸۲).

C. J. Edmonds, *A pilgrimage to Lalish* (London: The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1967); C. J. Edmonds, "The Beliefs and Practices of the Ahl-i

همچون برویین سن،^{۱۳} گونتر،^{۱۴} بلاو،^{۱۵} مان،^{۱۶} رندال^{۱۷} باث،^{۱۸} ایگلتون،^{۱۹} چالیاند،^{۲۰} کوچرا،^{۲۱}

¹⁶Oskar Mann, *Die Mundart der Mukri-Kurden, Teil I: Grammatische Skizze, Texte in Phonetischer und Persischer Umschrift; Teil II: Deutsche Übersetzung der Texte mit einer Einleitung über Inhalt und Form der Ostkurdischen Volkslyrik* [=Kurdish-Persische Forschungen, Abt. IV, Bd. 3] (Berlin: Reimer, 1906-1909); Oskar Mann and Karl Hadank, *Mundarten der Gürân, Besonders das Kändülâi, Auramâni und Bâdschälâni* (Berlin: De Gruyter & Co, 1930).

¹⁷Jonathan Randal, *After Such Knowledge, What Forgiveness? My Encounters with Kurdistan* (New York: Farrar, Straus and Giroux, 1997).

این کتاب به فارسی ترجمه شده است: جاناتان رندال، با این رسوایی چه بخشایشی؟ ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: پانید، ۱۳۷۹).

¹⁸Fredrik Barth, *Principles of Social Organization in Southern Kurdistan* (Oslo: Universitets Etnografiske Museum, 1953); Fredrik Barth, "Father's Brother's Daughter Marriage in Kurdistan," *Southwestern Journal of Anthropology*, 10:2 (1954), 164-171.

¹⁹William Eagleton, *The Kurdish Republic of 1946* (London: Oxford University Press, 1963).

²⁰Gérard Chailand (ed.), *A People Without a Country: The Kurds and Kurdistan* (London: Zed Books, 1980); Gérard Chailand (ed.), *Kurdistan und die Kurden* (Göttingen: Gesellschaft für Bedrohte Völker, 1984).

²¹Chris Kutchera, *Le Défi Kurde ou le Rêve fou de l'Indépendance* (Paris: Flammarion, 1997).

این کتاب در کردستان عراق به زبان کردی ترجمه شده است.

Chris Kutchera, *The Kurdish Challenge* (Paris: Bayard, 1997); Chris Kutchera, *Le Mouvement National Kurde* (Paris: Flammarion, 1979).

این کتاب به فارسی ترجمه شده است: کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: نشر پانید، ۱۳۷۵).

¹³Martin van Bruinessen, *Agha, Shaikh and State: The Social and Political Structures of Kurdistan* (London: Zed Books, 1992).

این کتاب به زبان فارسی و کردی ترجمه شده است: مارتین وان بروئین سن، جامعه‌شناسی مردم کرد، آغاشیخ، دولت، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳).

Martin van Bruinessen, "Nationalismus und Religiöser Konflikt: Der Kurdische Widerstand im Iran," in *Geschichte und Politik Religiöser Bewegungen im Iran* [Mardom Nameh, Jahrbuch zur Geschichte und Gesellschaft des Mittleren Orients], ed. Kurt Greussing (Frankfurt: Syndikat, 1981), 372-409; Martin van Bruinessen and Hendrik Boeschoten (ed.), *Evlîya Çelebi in Diyarbekir: The Relevant Section of the Seyabatname Edited with Translation, Commentary and Introduction* (Leiden: Brill, 1988); Martin van Bruinessen, "Mullas, Sufis and Heretics: The Role of Religion in Kurdish Society," in *Collected articles* (Istanbul: The Isis Press 2000); Martin van Bruinessen, "Kurdish ethno-nationalism versus nation-building states," in *Collected Articles* (Istanbul: The ISIS Press, 2000).

¹⁴Michael M. Gunter, "The Contemporary Roots of Kurdish Nationalism in Iraq," *Kufa Review*, 2:1 (2013); Michael M. Gunter, "Unrecognized De Facto States in World Politics: The Kurds," *Journal of World Affairs* (2014); Michael M. Gunter, *The Kurds Ascending* (New York: Palgrave Macmillan, 2008).

¹⁵Joyce Blau, *Le Problème Kurde: Essai Sociologique et Historique* (Bruxelles: Centre Pour l'Étude des Problèmes du Monde Musulman Contemporain, 1963).

این کتاب به فارسی ترجمه شده است: ژویس بلو، مسئله کرد: بررسی تاریخی و جامعه‌شناسی، ترجمه پرویز امینی (سنندج: مرکز کردستان‌شناسی، ۱۳۷۹).

Joyce Blau and Veysel Barak, *Manuel de Kurde: Kurmanji* (Paris: L'Harmattan, 1999); Joyce Blau, *Méthode de Kurde: Sorani* (Paris: L'Harmattan, 2000); Joyce Blau, "Kurdish Language ii. History of Kurdish Studies," in *Encyclopedia Iranica* (2009).

کینگ،^{۲۲} ناتالی،^{۲۳} و مک‌داوال^{۲۴} است که اغلب به صورت کتاب منتشر شده‌اند. به علاوه، شماری نیز به قلم محققان کرد، اعم از کردهای ایران و کردهای سایر کشورهای منطقه و کردهای ساکن در غرب، به نگارش درآمده‌اند که از آن جمله می‌توان به بدلیسی،^{۲۵} قاسملو،^{۲۶} ولی،^{۲۷} یاسمی،^{۲۸} نوری‌پاشا،^{۲۹} توحدی،^{۳۰} بوزارسلان^{۳۱} مدنی،^{۳۲} سردشتی،^{۳۳}

'Others,' Fragmented Identity and Fragmented Politics," *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 17:2 (1998).

این مقاله در سال ۱۳۸۲ در شماره ۳ مجلهٔ رافه (۱۳۸۱) به زبان فارسی ترجمه و چاپ شده است.

^{۲۸} رشید یاسمی، کرد و پیوستگی نژادی آن (تهران: ناشر چاپ، ۱۳۲۵).

^{۲۹} احسان نوری پاشا، تاریخ و ریشهٔ نژادی کرد (تهران: انجمن ایران‌شناسی کرد مادی، ۱۳۳۳).

^{۳۰} کلیم‌الله توحدی، حرکت تاریخی کردها به خراسان (مشهد: انتشارات توس، ۱۳۶۶). این کتاب در شش جلد در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۸ به دست چند ناشر به چاپ رسیده است.

^{۳۱} Hamit Bozarslan, "Entre la 'Umma et le Revolution: l'Islam Kurde au Tournant du Siècle," *MERA occasional paper, Amsterdam: Middle East Research Associates* (1992); Hamit Bozarslan, "Remarques sur l'Histoire des Relations Kurdo-Arméniennes," *Journal of Kurdish Studies*, 1 (1995), 55-76; Hamit Bozarslan, *La Question Kurde: États et Minorités au Moyen-Orient* (Paris: Presses de Sciences Po., 1997); Hamit Bozarslan, *Conflit Kurde: le Brasier Oublié du Moyen-Orient* (Paris: Collection Mondes et Nations /Autrement, 2009); Hamit Bozarslan, "Un récit de vie non Autorisé," in *Joyce Blau: L'Éternelle Chez les Kurdes*, eds. Hamit Bozarslan and Clémence Scalbert Yücel (Paris: Institut Kurde de Paris, 2013), 13-24.

^{۳۲} سه‌عید مه‌دهنی، کورد و ئستراتیژی ده‌وله‌تان (بی‌جا): بی‌نا، ۱۳۸۰).

^{۳۳} یاسین سهردهشتی، کورده‌کانی ئیران (سلیمانی: سهردهم، ۲۰۰۳).

^{۲۲} Diane King, *Kurdistan on the Global Stage: Kinship, Land, and Community in Iraq* (New Brunswick: Rutgers University Press, 2013).

^{۲۳} Dennis Natali, *The Kurdish Quasi-State: Development and Dependency in Post-Gulf War Iraq* (New York: Syracuse University Press, 2010); Dennis Natali, *The Kurds And the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey, And Iran* (New York: Syracuse University Press, 2005).

^{۲۴} David McDowall, *Kurdish Modern History* (London: I. B. Tauris, 2001).

این کتاب به به فارسی ترجمه شده است: دیوید مک‌داوال، تاریخ معاصر کرد، ترجمهٔ ابراهیم یونسی، (تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳).

^{۲۵} کتاب او که در اصل به زبان فارسی در دورهٔ صفویه نگاشته شده، برای اولین بار در دههٔ ۱۹۷۰ به زبان کردی نیز ترجمه شد و در بغداد به چاپ رسید. اولین چاپ کردی آن در ایران در سال ۱۳۶۰ منتشر شده است: شهرفخانی بدلیسی، شهره‌نامه وهرگپر عه‌بدولرحمان شهره‌فکندی (هه‌ژار) (تهران: بی‌نا، ۱۳۶۰).

^{۲۶} Abdul Rahman Ghassemlou, *The Kurds and Kurdistan* (Prague: Czechoslovak Academy of Sciences and London: Collet's, 1965).

این کتاب به زبان کردی ترجمه شده است: عه‌بلولرحمان قاسملو، کوردستان و کورد، وهرگپر عبدالله همسه‌نژاده (سلیمانی: بی‌نا، ۲۰۱۴).

^{۲۷} Abbas Vali (ed.), *Essays on the Origins of Kurdish Nationalism* (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2003); Abbas Vali, *Kurds and the State in Iran: The Making of Kurdish Identity* (London: I.B.Tauris, 2011).

ترجمهٔ فارسی بخش نتیجه‌گیری این کتاب در شمارهٔ ۸۶-۸۵ مجلهٔ زریبار (۱۳۹۳) منتشر شده است. Abbas Vali, *Modernity and the Stateless: The Kurdish Question in Iran* (London: I.B.Tauris, 2015); Abbas Vali, "The Kurds and Their

محمدپور^{۳۴} و ریا قانع،^{۳۵} شیخ‌الاسلامی،^{۳۶} گادانی،^{۳۷} حسن‌پور،^{۳۸} یلدز،^{۳۹} ایزدی،^{۴۰} بابان،^{۴۱}

Language in the United States,” *International Journal of the Sociology of Language*, 237, (2016), 75–98; Jaffer Sheyholislami, “Language Policy and Planning: Identity and Rights in Iraqi Kurdistan,” in *Minority Language in Today’s Global Society*, eds. G. Kunsang, A. Snaveley and T. Shakya (New York, NY: Trace Foundation, 2015), vol. 2, 106-128; Jaffer Sheyholislami, “Linguistic Minorities on the Internet,” in *Computer-Mediated Communication Across Cultures: International Interactions in Online Environments*, eds. Kirk St. Amant and Sigrid Kelsey (Information Science Reference, 2012).

شماری از مقالات شیخ‌الاسلامی در فایل رسانه کردی مجله زریبار شماره ۸۳-۸۴ (۱۳۹۲) به زبان کردی ترجمه و چاپ شده است.

۳۷ جهلیل گادانی، پهنجا سال خه‌بات کورته میژووویه‌کی حیزنی دیموکراتی کوردستان پێژان (خلاصه‌ای از تاریخ حزب دموکرات کوردستان ایران) (کردستان عراق: بی‌نا، بی‌تا).
۳۸ Amir Hassanpour, *Nationalism and Language in Kurdistan, 1918-1985* (San Francisco: Mellen Research University Press, 1992); Amir Hassanpour, “The (Re)Production of Patriarchy in the Kurdish Language,” in *Women of a Non-State Nation: The Kurds*, ed. Shahrzad Mojab (Costa Mesa, CA, Mazda Publishers, 2001), 227-263; Amir Hassanpour, “The Politics of a-Political Linguistics: Linguists and Linguicide,” in *Rights to Language: Equity, Power and Education*, ed. Robert Phillipson (Mahawi, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, In. Publishers, 2000), 33-49; Amir Hassanpour, “State Policy on the Kurdish Language: The Politics of Status Planning,” *Kurdish Times*, 4:1-2 (1991), 42-85.

۳۹ Kerim Yeldiz, *The Kurds in Syria: The Forgotten People* (London: Pluto Press, 2005); Kerim Yeldiz, *The Kurds in Turkey* (London: Pluto Press, 2005); Kerim Yeldiz, *The Kurds in Iraq: The Past, Present and Future* (London: Pluto Press, 2004); Kerim Yeldiz, *The Kurds in Turkey: EU Accession and Human Rights* (London: Pluto Press 2005).

دو کتاب اول کریم یلدیز به فارسی ترجمه شده‌اند.

۳۴ احمد محمدپور، تجربه نوسازی: پژوهشی در توسعه و تغییرات اجتماعی در منطقه هورامان کردستان (تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲)؛ احمد محمدپور، از سنت به نوسازی: مطالعه اتنوگرافیک شهر سردشت در کردستان ایران (تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲). احمد محمدپور و تافگه حسن‌پور، “جهانی‌شدن و بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی کردی (بررسی الگوهای مصرف موسیقی دانشجویان کورد دانشگاه گیلان)،” پژوهش‌های انسان‌شناسی، دوره ۲، شماره ۲ (۱۳۹۱)، ۸۹-۱۱۶؛ احمد محمدپور، جلیل کریمی و نشمیل معروف‌پور، “مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی مکرانی)،” زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، سال ۴، شماره ۳ (۱۳۹۱)، ۶۵.

Ahmad Mohammadpur, “Disembedding the Traditional Family: Grounded Theory and the Study of Family Change among Mangor and Gaverk Tribes of Iranian Kurdistan,” *Journal of Comparative Family Studies*, 44:1 (2012), 177-198; Ahmad Mohammadpur, “The Rise and Fall of Political Movements in the Late 19th Century and First Half of 20th Century Kurdistan (An Organizational Analysis),” *Canadian Social Science*, 11:1 (2015); Ahmad Mohammadpur, “Lifestyle and Identity in Contemporary Iranian Kurdistan (A Grounded Study of Marivan City),” *Quality & Quantity: International Journal of Methodology* (2016), 1907-1928; Ahmad Mohammadpur, Nariman mohammadi and Norbet Ross, “The Fiction of Nationalism: Newroz TV Representations of Kurdish Nationalism,” *European Journal of Cultural Studies* (2016); Ahmad Mohammadpur and Mehdi Rezaei, “Promoting Survival: A Grounded Theory Study of Consequences of Modern Health Practices in Ouramanat Region of Iranian Kurdistan,” *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being*, 5 (2010), 2. مریوان و ریا قانع، ناسیونالیسم و سف‌فر (سلیمانی، رده‌ه‌نله ۲۰۰۵).

۳۶ Jaffer Sheyholislami, “Kurdish in Iran: A Case of Restricted and Controlled Tolerance,” *International Journal of the Sociology of language* (2012), 217; Jaffer Sheyholislami, “It is the Hardest to Keep: Kurdish as a Heritage

کابان،^{۴۲} خیاطی،^{۴۳} کعبی،^{۴۴} کندال،^{۴۵} وانلی،^{۴۶} کریمی،^{۴۷} برزویی،^{۴۸} اوجالان،^{۴۹} الیاسی،^{۵۰} متین،^{۵۱} خدیو،^{۵۲} نه‌به‌ز،^{۵۳} ابریشمی،^{۵۴} قادری،^{۵۵} امین‌پور،^{۵۶} و ولدبیگی،^{۵۷} اشاره کرد.

زبان انگلیسی چاپ شده کتاب زیر است:

Abdulla Ocalan, *Prison Writings: The Road Map to Negotiations*, trans. Havin Guner (International Initiative Edition/ Mesopotamia, 2012).

⁵⁰Barzoo Eliassi, *Statelessness and Belonging: The Case Study of Kurdish Youth in Sweden in New Dimensions of Diversity in Nordic Culture and Society* (Cambridge: Cambridge Scholars Publishing, 2016); Barzoo Eliassi, "Statelessness in a world of Nation-States: The Cases of Kurdish Diasporas in Sweden and the UK," *Journal of Ethnic and Migration Studies* (2016), 1-17.

⁵¹کامران متین مطالعات متعددی در خصوص مدرنیته ایرانی صورت داده است. مطالعات او درباره کردستان بیشتر در قالب یادداشت‌هایی در مجلات و شبکه‌های اجتماعی و سخنرانی در کنفرانس‌هاست. از جمله بنگرید به Kamran Matin, "The Kurds and American Neo-Liberalism," at www.Counterpaunche.org; Kamran Matin, "Why is Turkey Bombing the Kurds?" at <https://www.opendemocracy.net/arab-awakening/kamran-matin/why-is-turkey-bombing-kurds>; Kamran Matin, "Kobani: What's in A Name?" at <https://thedisorderofthings.com/2014/10/15/kobani-whats-in-a-name/>.

⁵²بیشتر آثار خدیو به صورت یادداشت‌های تحلیلی در زمینه تحولات و اوضاع سیاسی در هر چهار بخش کردستان است. برای نمونه بنگرید به صلاح‌الدین خدیو، "گودتا، کردها و اردوغان"، دسترس‌پذیر در www.kurdpress.ir؛ صلاح‌الدین خدیو، "کردها در شطرنج سیاسی سوریه"، دسترس‌پذیر در www.ziryayn.ir.

⁵³نهمین، جه‌مال، زمانی، یه‌گرتووی کوردی، (ئه‌لمانیان، بامبورگ: یه‌کیه‌تی نه‌ته‌وه‌یی خویندکارانی کرد له‌ئورووی، ۱۹۷۶).
⁵⁴عبدالله ابریشمی، مسئله کرد در خاورمیانه و عبدالله اوجالان (تهران: توکلی، ۱۳۷۸).

⁵⁵Farangis Ghaderi, "The Emergence and Development of Modern Kurdish Poetry" (PhD Dissertation; Institute of Arab and Islamic Studies, University of Exeter).

⁵⁶صالح امین‌پور، جنگ و دیپلماسی بر سر تقسیم کردستان (تهران: نشر احسان، ۱۳۹۴).

⁵⁷بهرام ولدبیگی، برترک طوفان: ملامصطفی بارزانی به‌روایت مطبوعات ایران از ۱۳۲۴-۱۳۵۸ (تهران: ثالث، ۱۳۹۵).

⁴⁰Mehrdad Izadi, "The Sharafnâma: The History of the Kurdish Nation – 1597," *Being the First of the Seven-Volume Critical Translation and Extensive Commentary of the Late Medieval Work on Kurdish History* (Costa Mesa: Mazda, 2005); Mehrdad Izadi, *The Kurds: A Concise Handbook* (Washington & London: Taylor & Francis, 1992).

این کتاب در سال ۱۹۹۸ به زبان فرانسه، در سال ۲۰۰۴ به زبان ترکی و در سال ۲۰۰۷ به زبان کردی ترجمه و به زبان فارسی هم درآمده است.

⁴¹Ayad Baban, *The Kurd: The Story of a Nation's Survival* (AuthorHouse, 2008).

⁴²Dana Caban, *Kurds a Nation Frozen In Time* (AuthorHouse, 2009).

⁴³Khalid Khayati, "From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations Among Kurds in France and Sweden" (PhD Thesis; Linköping University, 2008).

⁴⁴Marouf Cabi, "The Clashes of National Narratives and Marginalization of Kurdish-Iranian History" (MA Thesis; Department of History, Iranian Studies, the University of St. Andrews, Scotland).

⁴⁵Kendal, "Introduction: Les Kurdes sous l'Empire ottoman," in *Les Kurdes et le Kurdistan*, ed. Gérard Chaliand (Paris: Maspéro, 1978), 31-68; Kendal, "Le Kurdistan de Turquie," in *Les Kurdes et le Kurdistan*, 69-153.

⁴⁶Ismet Chériff Vanly, *Le Kurdistan Irakien: Entité Nationale: Étude de la Evolution de 1961* (Neuchâtel: Editions de la Baconnière, 1970); Ismet Chériff Vanly, *Die Nationale Frage Türkisch-Kurdistan: Eine Übersicht mit Historischem Hintergrund* (Frankfurt am Main: Komkar, 1980); Ismet Chériff Vanly, *Kurdistan und die Kurden* (Göttingen: Gesellschaft für Bedrohte Völker, 1988).

⁴⁷جلیل کریمی، نظریهٔ پسااستعماری و کردشناسی (تهران: نشر نی، زیر چاپ).

⁴⁸مجتبی برزویی، اوضاع سیاسی کردستان (تهران: فکر نو، ۱۳۷۸).

⁴⁹از عبدالله اوجالان نوشته‌های فراوانی دربارهٔ کردستان در دست است که شماری از آنها به زبان‌ها کردی و فارسی برگردانده شده‌اند. از جمله مهم‌ترین آنها که به

مواردی را هم می‌توان یافت که حاصل تحقیقات نویسندگان غیرکرد در ایران، ترکیه یا عراق بوده است. برای مثال، می‌توان از شمیم همدانی،^{۵۸} انتصار،^{۵۹} اوزغلو،^{۶۰} جبار،^{۶۱} گونز،^{۶۲} احمدی،^{۶۳} کوهی کمالی،^{۶۴} جلایی پور،^{۶۵} و محمودی^{۶۶} نام برد. بسته به اینکه این مطالعات را چه کسانی صورت داده باشند، نوع رویکرد به کردها و جهت گیری آنها در قبال مسایل کردستان، شیوه بازنمایی و تمرکز مطالعه آنها تفاوت دارد. این مطالعات از حیث موضوع طیف گسترده‌ای را از تاریخ و سیاست تا زبان و ادبیات، زندگی و ناسیونالیسم در غربت را پوشش می‌دهد. در این میان، کردستان ایران در برخی از این مطالعات یا اصولاً مورد توجه نبوده است، برای مثال در مطالعه ادمونز و رندال، یا برخی پژوهشگران بخشی از کار خود را به کردستان ایران اختصاص داده‌اند، برای نمونه کینان^{۶۷} یا مک‌داوال، یا مشخصاً به کردهای ایران پرداخته‌اند، نظیر ولی و کوهی کمالی و سردشتی.

مطالعات مربوط به کردستان ایران را می‌توان با عطف به موقعیت جغرافیایی نویسندگان نیز دسته‌بندی کرد. برای نمونه، نویسندگان و صاحب‌نظرانی چون قاسملو، ولی، خیاطی، الیاسی، متین، خدیو و مدنی از کردستان ایران برخاسته‌اند. با این حال، همه آنان لزوماً بر این بخش از کردستان متمرکز نشده‌اند. برای نمونه، قاسملو با رویکرد مارکسیستی کلاسیک بر کلیت کردستان، متین با رویکرد چپ جدید بر کردستان سوریه و ترکیه، و عباس ولی در مطالعات اخیر خود بیشتر بر کردستان ایران متمرکز شده‌اند. از بُعد

^{۶۴}Farideh Koohi-Kamali, *The Political Development of the Kurds in Iran* (Basingstoke and New York: Palgrave MacMillan, 2003).

^{۶۵}حمیدرضا جلایی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲)؛ حمیدرضا جلایی پور، قاضی محمد: کردستان در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)؛ حمیدرضا جلایی پور، فراز و فرود جنبش کردی ۱۳۵۷-۱۳۶۷ (تهران: لوح نو، ۱۳۸۵). کتاب قاضی محمد در سال ۱۳۸۶ به کردی ترجمه شد: حمید جهلایی پور، قاری محمدمهدوهرگپژئبراهیم پورتی (تاران: توکلی، ۱۳۸۶).
^{۶۶}نادر محمودی، حزب دمکرات کردستان ایران (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۴).

^{۶۷}Derk Kinnane, *The Kurds and Kurdistan* (Oxford: Oxford University Press, 1972).

از این کتاب دو ترجمه به زبان فارسی وجود دارد. از جمله بنگرید به درک کینان، کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲). همچنین، این کتاب در کردستان عراق نیز به کردی ترجمه شده است.

^{۵۸}محمدصغر شمیم همدانی، کتاب کردستان (تبریز: کتابخانه سعادت و سروش، ۱۳۱۲). این کتاب را انتشارات مدیر در سال ۱۳۷۰ در تهران و تحت عنوان کردستان تجدید چاپ کرد.

^{۵۹}Nader Entessar, *Kurdish Ethnonationalism* (Boulder, CO: Lynne Rienner, 1992).

این کتاب در سال ۱۳۹۱ با عنوانی متفاوت به زبان فارسی ترجمه شده است: نادر انتصار، سیاست کردها در خاورمیانه، ترجمه عرفان قانع‌ی فرد (تهران: نشر علم، ۱۳۹۱).
^{۶۰}Akan Özoğlu, *Kurdish Notables and the Ottoman State* (New York: State University of New York Press, 2004).

^{۶۱}Faleh A. Jabar, *The Kurds: Nationalism and Politics* (London: Saqi Books, 2007).

^{۶۲}Cengiz Gunes, *The Kurdish National Movement in Turkey: From Protest to Resistance* (New York: Rotledge, 2011).

^{۶۳}حمید احمدی، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷).

موضوعی می‌توان مطالعات مربوط به کردستان ایران را به نوعی مشخص‌تر تقسیم‌بندی کرد. برای مثال، در آرشو مطالعات کردشناسی کردستان ایران منابع بسیار ارزشمندی در حوزه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبان و فرهنگ‌نویسی، موسیقی، اتو/بیوگرافی، آرشونگاری، رمان و ادبیات، مطالعات جمعیتی و مونوگرافی وجود دارد. در این مقاله نیز عمدتاً به این نوع تقسیم‌بندی توجه شده است. شیوه دیگر تقسیم‌بندی، معیار گفتمان‌شناسی مطالعات کردی است. برای مثال، مطالعاتی که در چارچوب گفتمان ناسیونالیسم کردی یا گفتمان ناسیونالیسم فارسی-ایرانی صورت گرفته‌اند.^{۶۸} علی‌رغم تمرکز این مقاله بر گونه‌شناسی موضوعی، اشاراتی به حوزه گفتمان‌شناسی نیز خواهد شد. نهایتاً اینکه مطالعات کردشناسی را در ایران می‌توان به لحاظ بستر جغرافیایی و موضوع مطالعه نیز دسته‌بندی کرد. یعنی کردها در مطالعات خود کدام حوزه‌های جغرافیایی را به مثابه کردستان مد نظر داشته‌اند و غیر کردها چطور؟ در ادامه مقاله تلاش خواهد شد هر یک از موضوعات فوق بررسی شوند.

مطالعات تاریخی / سیاسی کردشناختی

مطالعات تاریخی و سیاسی کردستان از هم غیر قابل تفکیک‌اند، زیرا بخش اعظم آنچه به عنوان تاریخ کردستان تا به حال نگاشته شده تا حد زیادی تحولات و رخداد‌های سیاسی و از جمله مبارزات کردها و فراز و نشیب‌های آن را در بر گرفته است. در حقیقت، مباحث تاریخی-سیاسی در کردستان چنان بر فضای مطالعات کردشناسی غلبه دارد که مطالعات تاریخ اجتماعی را به حاشیه رانده است. در این باره می‌توان شرفنامه، اثر شرفخان بدلیسی،^{۶۹} را اولین اثر مدونی دانست که به تشریح تاریخ کردها بر اساس روایات اسطوره‌ای و تاریخی موجود می‌پردازد. این کتاب که در قرن شانزدهم میلادی نوشته شده، علاوه بر ذکر روایات اسطوره‌ای موجود درباره ریشه کردها، تماماً به ثبت اسامی ایلات و طوایف بزرگ و کوچک کرد ساکن در امپراتوری عثمانی و صفوی اختصاص دارد، به گونه‌ای که می‌توان آن را تاریخ حکومت‌های محلی کردستان و رخداد‌های چندین قرن آنها دانست. بدلیسی رخداد‌های سیاسی و نظامی و در مواردی اندک نیز زندگی اجتماعی کردها را با دقت تمام ذکر کرده است. شرفنامه نخستین اثری است که به شکل مدون اقدام به نوعی هویت‌سازی اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی برای کردها کرده است.

^{۶۸} باید گفت که ملی‌گرایی ایرانی اعم از ملی‌گرایی فارسی است و مشارکت اقوام غیرفارس، نظیر ترک‌ها یا لرها، را نیز در بر می‌گیرد.

^{۶۹} شرفخان بن شمس‌الدین بدلیسی، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، به اهتمام ولادیمیر ویلیامینوف زرنوف (تهران: اساطیر ۱۳۷۸).

از میان دیگر آثار پیشگام می‌توان به حدیقه ناصریه و مرآت الظفر و عشایر و ایلات و طوایف گرد،^{۷۰} تحفه ناصریه،^{۷۱} زبدة التواریخ سنندجی،^{۷۲} لب التواریخ،^{۷۳} حدیقه امان‌اللهی،^{۷۴} سیر الاکراد،^{۷۵} تاریخ سلاطین اورامان،^{۷۶} و تاریخ اردلان^{۷۷} اشاره کرد. برای نمونه، حدیقه ناصریه و مرآت الظفر علاوه بر اینکه به ذکر جغرافیای طبیعی کردستان می‌پردازد، تاریخچه حاکمان اردلان و نیز حاکمان غیرمحلّی این منطقه را در قرن دوازدهم هجری قمری بیان می‌کند. کتاب لب التواریخ نیز، که در سال ۱۲۴۹ق نگاشته شده، رویدادهای سیاسی حاکمان اردلان را به خوبی گزارش کرده است.

در قرن نوزدهم نوشته‌های دیگری دربارهٔ کردستان پا به عرصه وجود نهادند که از آن میان می‌توان به سفرنامه ریچ در سال ۱۸۲۰م اشاره کرد که در آن از مناطق کردنشین امپراتوری عثمانی و بخش‌هایی از کردستان ایران دوره قاجار دیدن کرده است.^{۷۸} ریچ در این سفرنامه وقایع سیاسی و اجتماعی شهر سلیمانیه و مناطق پیرامون آن و نیز کردستان ایران را با تأکید بر سنندج روایت می‌کند. نوشته‌هایی از این دست به تدریج شکل جامع‌تری به خود گرفتند. شکل بسیار مدون آن را می‌توان در آثار واسیلی نیکیتین مشاهده کرد که مدتی در مقام دیپلمات روسیه در ارومیه ساکن بود و در کتاب خود به نام گرد و کردستان به بررسی جامعه‌شناختی کردستان و کردها و از جمله کردهای ایران پرداخته است.^{۷۹}

کتاب زبدة تاریخ کردستان اثر امین زکی بگ، نویسنده گرد و صاحب‌منصب در دوران امپراتوری عثمانی و رژیم تازه‌تأسیس عراق، از جمله آثار جامعی است که دربارهٔ تاریخ کردها نوشته شده است.^{۸۰} او با جستجو در آرشیو اسناد موجود در دربار و کتابخانه‌های عثمانی درصدد واکاوی خاستگاه‌های تاریخی کردها بود. بر همین اساس، هدف خود

^{۷۵} عبدالقادر ابن رستم بابانی، سیر الاکراد: در تاریخ و جغرافیای کردستان (تهران: توکلی، ۱۳۷۷).

^{۷۶} عبدالله بن عبدالعزیز شیدا مردوخ، تاریخ سلاطین هورامان و تاریخ سیاسی ۱۰۰۰ ساله اورامان (سنندج: پرتو بیان، ۱۳۸۳).

^{۷۷} مستوره اردلان، تاریخ اردلان (سنندج: بی‌نا، ۱۳۲۶). این کتاب در سال ۱۹۸۸م در عراق به زبان کردی هم ترجمه و چاپ شد.

^{۷۸} ریچ، گه‌شتی ریچ بو کردستان.

^{۷۹} نیکیتین، گرد و کردستان.

^{۸۰} امین زکی بگ، زبدة تاریخ کردستان.

^{۷۰} علی‌اکبر وقایع‌نگار، حدیقه ناصری: جغرافیا و تاریخ کردستان (تهران: توکلی، ۱۳۶۴)؛ علی‌اکبر وقایع‌نگار، عشایر و ایلات و طوایف کرد (تهران: توکلی، ۱۳۸۸).

^{۷۱} میرزاشرالله سنندجی، تحفه ناصری در جغرافیا و تاریخ کردستان و پنج مقاله در مورد قبایل کرد (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵).

^{۷۲} ملامحمدشریف قاضی، زبدة التواریخ سنندجی (تهران: توکلی، ۱۳۷۹).

^{۷۳} خسروبن محمدبن منوچهر اردلان، لب التواریخ (تهران: کانون خانوادگی اردلان، ۱۳۵۶).

^{۷۴} میرزا عبدالله سنندجی، حدیقه امان‌اللهی (تهران: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۴).

را بررسی ریشه‌های اسطوره‌ای و تاریخی مکتوب‌گردها و ویژگی‌های فرهنگی آنها قرار داد. این کتاب، که به زبان فارسی نیز ترجمه شده، جزو آثار مرجع در ایران و از این رو حائز اهمیت است. کُرد و پیوستگی نژادی، اثر رشید یاسمی، از جمله آثار مهم دیگری است که در ایران دوره پهلوی اول نوشته شده است.^{۸۱} این اثر مشخصاً به موضوع کُردها با محور قرار دادن پیشینه نژادی آنها اختصاص دارد. گویا این اثر به تدبیر رژیم پهلوی برای مقابله با کتاب زکی بگ نوشته شده است. یاسمی در درون گفتمان عموماً ایران‌گرا-فارس‌گرای آن دوره سعی داشت نه تنها پیشینه نژادی کُردها را با تکیه بر اسناد و منابع به اثبات برساند، بلکه شبهات ناشی از مبارزات کُردها را نیز برطرف سازد.^{۸۲}

در قرن بیستم، مطالعات تاریخی-سیاسی درباره کُردها شتابی فزاینده گرفت که بیشتر آنها به نوعی به کُردستان ایران نیز پرداخته‌اند. بیشتر این آثار را نویسندگان غربی نوشته‌اند که سپس به زبان فارسی درآمده‌اند و از آن جمله می‌توان به آثار کینان، کوچرا،^{۸۳} نیکیتین،^{۸۴} مک‌داوال،^{۸۵} کینان،^{۸۶} و ایگلتون^{۸۷} اشاره کرد.^{۸۸} آثار مذکور به زبان‌های کُردی و فارسی ترجمه شده‌اند. از همین رو، علی‌رغم اینکه نویسندگان غربی آنها را نوشته‌اند، می‌توانند چونان منابعی ارزشمند برای بازخوانی تاریخ و سیاست کُردها-از جمله کُردهای ایران-مد نظر قرار گیرند. جز اثر نیکیتین-که جامعه‌شناختی/مردم‌شناختی‌تر به نظر می‌رسد-دیگر مطالعات بیشتر تمرکز خود را بر رخدادهای سیاسی قبل از انقلاب اسلامی ایران قرار داده‌اند و به ندرت می‌توان وقایع دوران پس از انقلاب در کُردستان و سیاست‌های دولت را در آن منطقه یافت. محور عمده این دست از مطالعات بررسی جنبش‌های اسماعیل آقا سمکو (۱۹۱۰-۱۹۲۹م) و پس از آن، به‌ویژه تشکیل جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۶م، است. ایگلتون یکی از جامع‌ترین آثار را در خصوص جمهوری کُردستان به نگارش درآورده است. کوچرا نیز به تفصیل به جنبش سمکو و جمهوری مهاباد پرداخته است. در اکثر آثار ترجمه‌شده در خصوص کُردستان ایران بُعد وقایع‌نگاری رخدادهای بسیار برجسته بوده و سیمای روشنی از وقایع آن دوره در کُردستان ایران عرضه شده است. بازنمایی وقایع کُردستان ایران در این آثار تا حدودی

^{۸۱} یاسمی، کُرد و پیوستگی نژادی آن.

^{۸۲} سیروان خسروزاده، "نقد و بررسی کتاب کُرد و پیوستگی تاریخی و نژادی او اثر غلامرضا رشید یاسمی"، زریبار، شماره ۸۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۲۳۱-۲۳۸.

^{۸۳} کوچرا، جنبش ملی کُرد.

^{۸۴} نیکیتین، کُرد و کُردستان.

^{۸۵} مک‌دوال، تاریخ معاصر کُرد.

^{۸۶} کینان، کُرد و کُردستان.

^{۸۷} ایگلتون، جمهوری ۱۹۴۶ کُردستان.

^{۸۸} لازم به ذکر است که تعداد مطالعات موجود درباره کُردها و به‌ویژه کُردهای ایران بیشتر از اینهاست، اما چون به زبان فارسی برگردانده نشده‌اند، به استثناء چند مورد، در اینجا به آنها اشاره‌ای نشده است.

منطق و رهیافت مشابهی را دنبال می‌کند. این آثار هم به ابعاد سنتی و عشیره‌ای جنبش‌های کردستان پرداخته‌اند و هم حمایت یا مداخلات نیروهای خارجی و از جمله حمایت شوروی از جمهوری کردستان را به تصویر کشیده‌اند که خود بر دگردیسی تفکرات ناسیونالیستی و هویت‌طلبانه در کردستان ایران سایه افکنده بود. در این میان، کتاب تاریخ معاصر کرد، اثر مک‌داوال، علاوه بر وقایع کردستان موکریان^{۸۹} به رخداد‌های سیاسی و نظامی در بخش‌هایی دیگری از کردستان ایران مانند کرمانشاه نیز پرداخته است. این همان چیزی است که در دیگر منابع غربی به ندرت مشاهده می‌شود. تأکید آثار فوق بر جنبش‌های کردی قبل از ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م از سوی و خوانش فراز و فرودهای جنبش کردی در سایر بخش‌های کردستان، یعنی در عراق و ترکیه، از سوی دیگر احتمالاً از جمله دلایل چاپ مکرر این آثار در ایران است.^{۹۰}

علاوه بر آثار نویسندگان غربی در خصوص تاریخ و سیاست کردها و کردستان ایران، برخی آثار را نیز کردها و غیر کردهای داخل و خارج از ایران نوشته‌اند. این آثار به وقایع سیاسی و نظامی کردستان قبل از انقلاب اسلامی و در مواردی پس از آن می‌پردازند. از آن جمله می‌توان به آثار نویسندگان غیرکرد همچون زربخت،^{۹۱} جلالی‌پور،^{۹۲} ارفع،^{۹۳} رامتین،^{۹۴} احمدی،^{۹۵} بیات،^{۹۶} رزم‌آرا،^{۹۷} و فیروزی^{۹۸} اشاره کرد.

برخی از این نویسندگان، جنبش‌های سیاسی و نظامی کردها و اندیشه‌های مؤثر بر آنها را نقد و بررسی کرده‌اند. برای نمونه، احمدی در بخشی از کتاب قومیت و قومیت‌گرایی

^{۸۹} کردستان موکریان بخشی از کردستان ایران است که به لحاظ اداری-سیاسی در جنوب و غرب استان آذربایجان غربی واقع شده و جنبش سمکو و تأسیس جمهوری کردستان در آن منطقه اتفاق افتاد.

^{۹۰} به‌طور کلی ترجمه و نشر کتاب‌هایی درباره کردهای سایر بخش‌های کردستان در کشورهای عراق و ترکیه و سوریه در ایران بلامانع است.

^{۹۱} مرتضی زربخت، از کردستان عراق تا آنسوی ارس (تهران: شیرازه، ۱۳۷۷).

^{۹۲} جلالی‌پور، قاضی محمد؛ جلالی‌پور، کردستان و علل تداوم بحران آن بعد از انقلاب؛ جلالی‌پور، فراز و فرود جنبش کردی.

^{۹۳} حسن ارفع، کردها: یک بررسی تاریخی و سیاسی (تهران: آنا، ۱۳۸۲). لازم به ذکر است که ارفع رئیس ستاد ارتش ایران در سال ۱۳۲۴ و سفیر ایران در ترکیه در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ش بوده است.

^{۹۴} حسین رامتین، فرمان آتش در کوهستان باختر، ۱۳۸۸.

^{۹۵} احمدی، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت.

^{۹۶} کاوه بیات، شورش کردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران، ۱۳۰۷-۱۳۱۱ (تهران: نشر تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۴)؛ کاوه بیات، کردها و فرقه دمکرات آذربایجان (تهران: شیرازه، ۱۳۸۹)؛ کاوه بیات، "نهضت غرب"، گفتگو، شماره ۶۱ (۱۳۹۳)، ۵۵-۶۲؛ کاوه بیات، "حق و ناحق مسائل قومی در ایران"، گفتگو، شماره ۴۳ (۱۳۸۷)، ۱۲-۱۲۹.

^{۹۷} صاحبعلی رزم‌آرا، عملیات اورامان: پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی (تهران: شیرازه، ۱۳۸۷).

^{۹۸} حمیدرضا فیروزی، جمهوری کردستان: گذری بر چگونگی پیدایش و چرایی فروپاشی (سنندج: نوای دانش، ۱۳۸۸).

در ایران مسایل قرن اخیر کُردستان و تفکرات و داعیه‌های ناسیونالیستی توأم با آنها را در ایران شرح داده است. او وقایع مذکور و تفکرات حامی آنها را از سویی حاصل فعالیت نخبگان—و نه عامهٔ مردم—از سوی دیگر تأثیر نیروهای خارجی دانسته است. بدین ترتیب، وجود قومیت‌گرایی را در ایران و به تبع آن کُردستان نفی می‌کند. جلالی‌پور نیز در کتاب فراز و فرودهای جنبش کُردی با بررسی تحولات جنبش‌های سیاسی در کُردستان، ضمن تلاش برای نقد ناسیونالیسم قومی بر تقویت ناسیونالیسم مدنی در ایران تأکید دارد.^{۹۹} در مقابل، بیات در مقالهٔ «حق و ناحق مسائل قومی در ایران»، ضمن تشریح اصول مطالباتی که با نام مطالبات قومی در ایران مطرح شده، تلاش کرده است آن بُعدی را که بیشتر رنگ و بوی قومی دارد (زبان) را از سایر ابعاد (خواسته‌های توسعه، برابری و رفع تبعیض) تفکیک کند و با تأکید بر پیشینهٔ تاریخی کُردها در ایران، ماهیت متفاوت اوضاع آنان در ایران را در مقایسه با موجودیتشان در ترکیه و عراق روشن سازد و راه‌حل‌های ممکن برای رویارویی با آن را تشریح کند. در جریان چنین تبیینی، بیات رویکردی را به نقد می‌کشد که در آن بر سلطهٔ تاریخی فارس‌ها و ناروا بودن سلطهٔ زبانی آنها بر کل اقوام ایران اشاره دارد.

شایان ذکر است که مطالعات مرتبط با کُردهای ایران و جبهی بین‌المللی نیز دارد.^{۱۰۰} برای مثال، بیات در کتاب شورش کُردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران، ۱۳۰۷-۱۳۱۱ مبارزات کُردهای ترکیه و تأثیر آن را بر سیاست خارجی ایران به تصویر کشیده است. او در کتاب مذکور سیاست خارجی دولت‌های ایران و ترکیه در قبال یکدیگر را با توجه به متغیر کُردها و مبارزات آنها در ترکیه بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که پس از جنگ اول جهانی و به دنبال شورش آارات، اختلاف ایران و ترکیه بر سر خطوط مرزی همچنان ادامه یافت و دولت ترکیه برای اولین بار دیگر نتوانست از نیروی کُردها برای

^{۹۹} جلالی‌پور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۴،۵ سال فرماندار شهرستان نقره، ۴،۵ سال فرماندار شهرستان مهاباد و حدود ۴ سال معاون استاندار استان کُردستان بوده است.

^{۱۰۰} حمیدرضا محمدی و حسین خالدی، ژئوپلتیک کُردستان عراق (تهران: نشر انتخاب، ۱۳۹۱)؛ محمود مبارکشاهی، جغرافیای سیاسی کُردستان عراق با تأکید بر مسئلهٔ کرکوک (مریوان: نه‌وین، ۱۳۹۴)؛ طاهر آریا، «بررسی نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر قضیهٔ حلبچه» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰)؛ علی حاجی قاسمعلی، «تأثیر تحولات اخیر خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۲م) در مناطق کُردنشین» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۲)؛ جلیل مردادی، «روابط کُردها با ارامنه از ۱۹۲۰-۱۹۰۵» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸)؛ مطلب مطلبی، «تأثیر کُردها بر روابط ایران و عثمانی و عراق از ۱۹۱۴ تا ۱۹۷۹» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۶)؛ محمد آثارتمر، «تحركات قومی کُردها و امنیت ملی ترکیه (۱۹۹۰-۲۰۰۸م)» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷).

۹۹ جلالی‌پور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۴،۵ سال فرماندار شهرستان نقره، ۴،۵ سال فرماندار شهرستان مهاباد و حدود ۴ سال معاون استاندار استان کُردستان بوده است.

۱۰۰ حمیدرضا محمدی و حسین خالدی، ژئوپلتیک کُردستان عراق (تهران: نشر انتخاب، ۱۳۹۱)؛ محمود مبارکشاهی، جغرافیای سیاسی کُردستان عراق با تأکید بر مسئلهٔ کرکوک (مریوان: نه‌وین، ۱۳۹۴)؛ طاهر آریا، «بررسی نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر قضیهٔ حلبچه» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰)؛ علی حاجی قاسمعلی، «تأثیر تحولات اخیر خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۲م) در مناطق کُردنشین» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۲)؛ جلیل مردادی، «روابط کُردها با ارامنه از ۱۹۲۰-۱۹۰۵» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸)؛ مطلب مطلبی، «تأثیر کُردها بر روابط ایران و عثمانی و عراق از ۱۹۱۴ تا ۱۹۷۹» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۶)؛ محمد آثارتمر، «تحركات قومی کُردها و امنیت ملی ترکیه (۱۹۹۰-۲۰۰۸م)» (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷).

تعارض با ایران استفاده کند. در مقابل، ایران برای نخستین بار سیاست حمایت ضمنی از شورشیان کرد ترکیه را اتخاذ کرد. آثار رزم‌آرا و رامتین نیز از شماری وقایع نظیر غلبه ارتش رضاخان بر تحركات سیاسی و نظامی مناطق کردنشین یاد کرده‌اند.

در همین زمینه، کوهی کمالی نیز در اثر خود تحت عنوان توسعه سیاسی در کردستان ایران وقایع قیام سمکو، جمهوری ۱۹۴۶ مهاباد و وقایع پس از انقلاب را بازنگری و بررسی می‌کند.^{۱۰۱} به نظر او، قیام سمکو به لحاظ عملکرد ماهیتی غارتگرانه و عشیره‌ای داشت، اما متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی جنبش‌های منطقه رنگ و بویی ناسیونالیستی نیز پیدا کرد. کوهی کمالی جمهوری مهاباد را علی‌رغم تمامی کاستی‌های آن نخستین جنبش ناسیونالیست مدرن کردی و دستاوردی مهم برای رشد و توسعه جنبش استقلال‌طلبانه کردها در کشورهای ترکیه و عراق می‌داند. از دید او، جمهوری مهاباد تصویری تاریخی از کردها را در قالب ملتی واحد پیش رو گذاشت.

کردهای داخل و خارج ایران نیز آثار قابل توجهی در حوزه سیاست و تاریخ کردستان ایران به زبان‌های انگلیسی، کردی و فارسی به رشته تحریر درآورده‌اند. برای نمونه، از میان این نویسندگان می‌توان به ولی، مدنی، یاسمی، سردشتی، برزویی، داوودی،^{۱۰۲} ابریشمی، محمدپور،^{۱۰۳} خوشحالی،^{۱۰۴} سیف قاضی،^{۱۰۵} و قانعی فرد^{۱۰۶} اشاره کرد. نوشته‌های ولی، که به زبان انگلیسی تدوین و در مواردی اندک به زبان‌های کردی و فارسی ترجمه شده‌اند، از اثرگذارترین و جدی‌ترین آثار به شمار می‌روند. کتاب کردها و دولت در ایران به بررسی مکانیزم ساخت هویت کردی در قرن بیستم در ایران اختصاص دارد.^{۱۰۷} او در این کتاب شرایط بعد از انقلاب مشروطه و به‌ویژه زمان روی کار آمدن رضاخان و نحوه تعامل وی با کردها در کردستان را بررسی و خاطرنشان کرده است که این تعامل مبتنی بر مکانیزم "دیگری‌سازی" برای تثبیت جایگاه "خود" فارسی و تثبیت حاکمیت

^{۱۰۴} بهزاد خوشحالی، قاضی محمد و جمهوری کردستان در آینه اسناد (ناشر: بهزاد خوشحالی، ۱۳۸۰).

^{۱۰۵} رحیم سیف قاضی، اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش، ترجمه محمدرضا سیف قاضی (تبریز: آنا، ۱۳۷۹).

^{۱۰۶} عرفان قانعی فرد، پس از شصت سال: زندگی و خاطرات جلال طالبانی، ۱۹۳۳-۱۹۶۶ (تهران: علم، ۱۳۸۸)؛ عرفان قانعی فرد، تندباد حوادث: گفتگویی با عیسی پژمان (تهران: علم، ۱۳۹۰).

^{۱۰۷} Vali, *Kurds and the state in Iran: the making of Kurdish ethnicity*.

¹⁰¹ Koochi-Kamali, *The Political Development of the Kurds in Iran*.

این کتاب اگرچه به فارسی ترجمه نشده، اما جزو پژوهش‌های مهمی است که درباره کردستان ایران نوشته شده است. بخشی از این کتاب در شماره ۲ مجله رافه به فارسی ترجمه شده است.

^{۱۰۴} محمدرضا داوودی، مهاباد در فاصله دو جنگ بین‌الملل اول و دوم، ۱۹۱۸-۱۹۳۹.

¹⁰³ Ahmad Mohammadpur, "The Rise and Fall of Political Movements in the Late 19th Century and First Half of 20th Century Kurdistan."

دولت-ملت جدید بوده است. این مطالعه به نوعی در امتداد مطالعه پیشین او با عنوان “گردها و دیگری‌هایشان” است که در آن به ساخت هویت‌های تکه‌پاره در مناطق مختلف کردستان و سیاست‌های مجزا و متفاوت دولت‌ها با گردها پرداخته بود.^{۱۰۸} از ویژگی‌های برجسته آثار ولی این است که به دور از رویکرد تاریخ‌نگارانه و پرهیز از ذکر وقایع صرف، سعی در شناخت گفتمان‌های غالب و تعیین‌کننده در ظهور هویت جدید و جنبش‌های سیاسی در کردستان ایران دارد. ولی در مطالعه دیگری تحت عنوان “تبارشناسی گردها: ساخت ملت و هویت ملی در نوشته‌های کردی،”^{۱۰۹} که در کتاب مقالاتی در ریشه‌های ناسیونالیسم کردی^{۱۱۰} منتشر شده، ضمن بررسی فرایند هویت‌سازی در کردستان به‌طور کلی شیوه ساخت این هویت را در قرن بیستم در کردستان ایران مد نظر قرار داده است.

برزویی در کتاب وضعیت سیاسی کردستان به‌طور خاص جنبش سمکو و جمهوری کردستان را تحلیل می‌کند. در این کتاب، نویسنده از یک‌سو سعی در برجسته کردن بُعد عشیره‌ای و غارتگری شورش سمکو داشته و بر اساس اسناد و شواهد موجود لایه‌های مختلف این وقایع را کنکاش می‌کند و از سوی دیگر، با بررسی تأسیس جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۶ تلاش می‌کند سهم عناصر و نیروهای خارجی، به‌ویژه شوروی سابق، را بر شکل‌گیری و فروپاشی آن برجسته کرده و ماهیت خودجوش و ناسیونالیستی آن را کم‌اهمیت جلوه دهد.

اثر یاسین سردشتی درباره گردهای ایران از جمله کارهای مفصل دیگری است که به مطالعه کردستان ایران اختصاص دارد.^{۱۱۱} او که از گردهای عراق است، در این اثر شرح مفصلی از جنبش سمکو و تأسیس جمهوری مهاباد به دست داده است. آنچه از استدلال اصلی این اثر می‌توان استنباط کرد این است که جنبش‌های مذکور علی‌رغم موانع و کاستی‌های گوناگون جنبش‌هایی عدالت‌طلبانه بوده و شایسته تقدیر و تداوم‌اند. کتاب گرد و استراتژی دولت‌ها، نوشته سعید مدنی،^{۱۱۲} از جمله آثار دیگری است که به زبان کردی در دو جلد سیاست‌ها و استراتژی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت دولت‌های ایران، ترکیه، عراق و سوریه و نیز کشورهای دیگر را نسبت به مسئله گرد واکاوی می‌کند. در

(Costa Mesa, CA: Mazda Publisher, 2003).

^{۱۱۰}Vali, *Essays on the origins of Kurdish nationalism*.

^{۱۱۱}سهرده‌شتی، کورده‌کانی ئیزان (سلیمانی: سهرده‌م، ۲۰۰۳).

^{۱۱۲}مه‌دنی، کورد و ئیستراتژی ده‌وله‌نان

^{۱۰۸}عباس ولی، “گردها و دیگری‌هایشان: هویت پاره‌پاره و سیاست‌های پاره‌پاره،” ترجمه کاوه دستوره، نویسه سال ۱، شماره ۱ (۱۳۸۱)، ۳-۳۸.

^{۱۰۹}Abbas Vali, “Genealogies of Kurds: Construction of National and National Identity in Kurdish Historical Writing,” in *Essays on the origins of Kurdish nationalism*

این کتاب نویسنده سعی کرده از سیاست‌های این کشورها در قبال کردها پرده بردارد. نگاه نویسنده به کردستان و کردها نگاهی است ملی‌گرایانه که بر مطالبات کردها برای تعیین سرنوشت تأکید دارد. از بین آثار عرفان قانعی فرد، کتاب پس از شصت سال از جمله آثاری است که به خاطرات جلال طالبانی، از رهبران مبارزات کردها در عراق و رئیس‌جمهور عراق، می‌پردازد. این کتاب گرچه به زندگی طالبانی اختصاص دارد، در عمل مباحث مربوط به تاریخ معاصر ایران را نیز در بر گرفته است و در ضمن، عملکرد برخی از رهبران جنبش کردی در عراق از جمله ملامصطفی بارزانی را به شدت نقد می‌کند. در همین زمینه، کتاب تندباد حوادث نیز، که به خاطرات عیسی پژمان پرداخته است، به نوعی تلاش آشکاری برای نشان دادن نقش حکومت پهلوی و به‌ویژه ساواک در جنبش ملامصطفی بارزانی و به‌طور کلی کردهای عراق است.

با این همه، مطالعات کردها در ایران فقط به آثار مطرح‌شده محدود نمی‌شود. بخشی از مطالعات جامع و هدفمند مربوط به حوزه تاریخ-سیاست کردستان در مجلات منتشره در داخل و خارج مناطق کردستان ایران عرضه شده‌اند. از جمله، مجلات تخصصی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در کردستان ایران می‌توان به مجلات روزه‌ف^{۱۱۳}، زریبار^{۱۱۴}، ژبوار^{۱۱۵}، نویسا، و راقه^{۱۱۶} اشاره کرد که به دو زبان کردی و فارسی به چاپ رسیده‌اند. در این مجلات اگرچه مطالعاتی در حوزه‌هایی غیر از سیاست و تاریخ نیز منتشر شده، اما در آنها گفتمان سیاسی و مطالعات سیاسی-تاریخی غلبه دارد. بخشی از این مطالعات مبتنی بر ترجمه آثاری است که در خارج از کردستان به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند. این مطالعات ممکن است در خصوص کردستان ایران باشد یا دیگر بخش‌های کردستان. شواهد نشان می‌دهد که مطالعات ترجمه‌شده بیشتر معطوف به سایر بخش‌های کردستان است. برخی از این مطالعات به اختصار در پی می‌آیند.^{۱۱۷}

مجله روزه‌ف یکی از مجلات مهم دهه اخیر در کردستان ایران است. این مجله که از اواسط دهه ۱۳۸۰ در کردستان ایران از سوی شماری از دانش‌آموختگان علوم انسانی چاپ و منتشر شد، غالباً در درون گفتمان ناسیونالیستی کردی به شکلی معتدل و انتقادی هم به جامعه کردستان و هم به دولت‌های حاکم بر کردستان‌ها می‌پردازد.

^{۱۱۳} روزه‌ف در زبان کردی به معنای بحث روز است.
^{۱۱۴} زریبار نام دریاچه‌ای در کردستان ایران، واقع در شهرستان مریوان، است.
^{۱۱۵} ژبوار به معنای تمدن است.
^{۱۱۶} راقه به معنای تأویل است.
^{۱۱۷} لازم به ذکر است که در اروپا از سال ۱۹۹۵م مجله‌ای معتبر با عنوان مطالعات کردی (Journal of Kurdish Studies) منتشر می‌شود که بیشترین تمرکز آن بر کردستان ترکیه و عراق است و مطالعات خاصی درباره کردستان ایران در آن منتشر نشده است.

حوزه سیاست در این مجله وزن بیشتری دارد و علاوه بر موضوعات مرتبط با کردستان ایران، موضوعات مربوط به کردستان عراق و ترکیه و سوریه را نیز مطرح می‌کند. برخی از پرونده‌های تخصصی این مجله عبارت‌اند از "تاریخ سیاسی معاصر کردستان"^{۱۱۸} "دموکراسی و سیستم‌های عدم تمرکز"^{۱۱۹} و "مشارکت سیاسی کردها".

از دیگر مجلات تأثیرگذار در مناطق کُردنشین می‌توان به مجلهٔ زریبار اشاره کرد که بیش از یک دهه با رویکردی انتقادی و پژوهشی موضوعات گوناگون جامعهٔ کردستان را به صورت پرونده‌های تخصصی واکاوی می‌کند. هیئت تحریریهٔ این مجله را غالباً دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهند. برای درک بهتر جایگاه موضوعی آن می‌توان به برخی پرونده‌های منتشرهٔ آن اشاره کرد: "جهانی‌شدن و مسئلهٔ ملیت‌ها"، "دموکراسی و جامعهٔ مدنی"، "ادبیات و فرهنگ"، "جنبش‌های اجتماعی نوین"، "جنبش‌های اسلامی در کردستان"، "مطالعات پسااستعماری"، "ایلام و کرمانشاه"، "سرمایهٔ اجتماعی"، "شعر معاصر کردستان"، "ادبیات داستانی کردستان"، "مدرنیته"، "زبان و جامعه"، "زبان کُردی و فرهنگ‌نویسی"، "نالی"،^{۱۲۰} "تاریخ‌نگاری کردستان"، "رسانهٔ کُردی"، "سیاست در کردستان" و "داعش و داعشیسم". مقالات این مجله علاوه بر اینکه به مباحث مذکور در کردستان در هر چهار کشور ترکیه و ایران و سوریه و عراق پرداخته‌اند، در بسیاری موارد به‌طور خاص بر مسایل جامعهٔ کردستان ایران نیز متمرکزند.^{۱۲۱}

^{۱۱۸} (با تأکید بر حزب دمکرات کردستان)، "رؤزه‌فہ شمارهٔ ۲ و ۳ (۱۳۸۵)، ۱۶۹-۲۱۲.

^{۱۲۰} نالی (۱۷۹۵-۱۸۵۵) یکی از نامدارترین و تأثیرگذارترین شاعران کُرد است. او در قریهٔ خاک‌وخول در شهر شاره‌زور در کردستان، واقع در امپراتوری عثمانی (عراق امروز)، به دنیا آمد.

^{۱۲۱} اسماعیل شمس، "مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری کُردی"، زریبار: پروندهٔ تاریخ‌نگاری کردستان، شمارهٔ ۷۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۱۴۵-۱۶۰؛ ملک عزیز، "شناسایی و مقوله‌بندی داده‌های تاریخ اجتماعی کردستان بر اساس تواریخ محلی (نمونهٔ موردی کتاب تاریخ الاکرد)، زریبار، شمارهٔ ۷۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۲۰۹-۲۳۰؛ احمد چوپانی و آلتون نیررائی، "درآمدی بر تبارشناسی سیاسی ایل شکاک در تاریخ معاصر ایران"، زریبار، شمارهٔ ۷۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۳۳۷-۳۴۸؛ بهزاد زندی، "یادداشتی بر جریان تاریخ‌نویسی کردستان در دههٔ ۱۳۸۰ شمسی"، زریبار، شمارهٔ ۷۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۳۵۷-۳۶۳؛ مه‌سعود بینهنده، "کورته باسیک له سه‌ر میژوونوسی کوردستان"، زریبار، شمارهٔ

جلیل مرادی، "امپراطوری عثمانی، کُرد و ارمنی"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۷۷-۸۸؛ محمد کمانگر (همایون)، "جمعیت ژک در کرمانشاه"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۱۱۵-۱۲۴؛ یونس عباسی‌زاده، "روابط خارجی جمهوری کردستان"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۱۲۵-۱۳۸؛ علیرضا معروفی، "علل ناکامی جمهوری کردستان"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۱۴۵-۱۵۶؛ امیر احمدیان، "انگلستان و جمهوری کردستان"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۱۳۹-۱۴۴؛ قاسم احمدی، "جامعه‌شناسی تاریخی حزب دمکرات کردستان ایران"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۸-۱۰ (۱۳۸۷)، ۲۵۱.

^{۱۱۹} عبدالعزیز مولودی، "دیدگاه‌هایی پیرامون آسیب‌شناسی مدیریت در کردستان"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۲ و ۳ (۱۳۸۵)، ۶۱-۶۶؛ خالد اسمعیل‌زاده، "ارزیابی مشارکت سیاسی کردها"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۲ و ۳ (۱۳۸۵)، ۶۷-۱۱۲؛ یونس عباسی‌زاده، "جمهوری کردستان (۱۳۲۴ش) و تجربهٔ عدم تمرکز در ایران"، رؤزه‌فہ شمارهٔ ۲ و ۳ (۱۳۸۵)، ۱۳۷-۱۶۸؛ صباح مفیدی، "گذری بر عدم تمرکزخواهی سیاسی در ایران

بررسی دقیق‌تر این مجله روشن می‌سازد که این مجله رویکردی انتقادی در قبال جامعه‌گردستان و دولت‌های حاکم بر آن اتخاذ کرده است. بخش فراوانی از این مجله را ترجمه پژوهش‌هایی تشکیل می‌دهد که در سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی، درباره‌گردها صورت گرفته است. از همین رو، آثار متعددی را در خصوص گردستان عراق، ترکیه و سوریه شامل می‌شود. همچنین، در میان مقالات تألیفی این مجله موارد متعددی را می‌توان یافت که بر گردستان عراق، ترکیه و سوریه متمرکز بوده‌اند.

یکی دیگر از مجلاتی که در مناطق گردنشین ایران از دهه ۱۳۹۰ منتشر می‌شود و با رویکردی انتقادی و چپ به مسائل گردستان ایران و سایر بخش‌های گردستان می‌پردازد، مجله ژبوار است. بیشتر اعضای هیئت تحریریه این مجله را دانش‌آموختگان حقوق و علوم سیاسی تشکیل می‌دهند. این مجله در بیشتر شماره‌های خود بر مسایلی چون سیاست، هویت و زبان مادری و فلسفه سیاسی تمرکز دارد. گرچه این مجله به اندازه ژبیار مطالعات موردی درباره جامعه گردستان منتشر نمی‌کند، اما مطالعات

ادبیات کودکان و سانسور (گوش کردی جنوب)،“
 ژبیار، شماره ۶۴ (۱۳۸۶)، ۱۳۹-۱۴۴؛ فرزاد حاجی
 میرزایی، “مین در استان گردستان”، ژبیار، شماره
 ۶۴ (۱۳۸۶)، ۲۲۳-۲۳۴؛ قدیر نصری، “سیاست در
 گردستان ایران (مصاحبه)”， ژبیار: پرونده سیاست
 در گردستان، شماره ۸۵-۸۶ (۱۳۹۳)، ۱۰۱-۱۱۱؛
 عباس ولی، “گردها و دولت در ایران”， ترجمه رزگار
 رشیدپور، ژبیار، شماره ۸۵-۸۶ (۱۳۹۳)، ۱۱۲-۱۲۶؛
 حمزه محمدی، “ارزیابی شهروندان استان گردستان
 از فعالیت‌های شوراها به عنوان نماد دولت محلی و
 اثرات آن بر شرکت در انتخابات شوراها،” ژبیار،
 شماره ۸۵-۸۶ (۱۳۹۳)، ۱۶۲-۱۸۱؛ خالد توکلی،
 تاهیر خدیو و حامد فهرازی “له کوردستان جییان
 ناپیتهوه (در گردستان نمی‌گنجند): میزگرد تخصصی،”
 ژبیار، شماره ۸۵-۸۶ (۱۳۹۳)، ۶-۲۸؛ بختیار کریمی،
 “بررسی عوامل مرتبط با رشد مطبوعات محلی و بومی
 از دیدگاه فعالان و دست‌اندرکاران مطبوعات استان
 گردستان،” ژبیار: پرونده رسانه کردی، شماره ۸۳-۸۴
 (۱۳۹۲)، ۲۰۲-۲۲۴؛ رزگار مرادویسی و لایق مشایخی
 نیا، “شبکه‌های مجازی اجتماعی (فیس‌بوک) و آگاهی
 سیاسی،” ژبیار، شماره ۸۳-۸۴ (۱۳۹۲)، ۴۶؛ داود
 قاسمی، محمد قربانیان و که‌ژال مدرسی، “جهانی شدن
 رسانه‌های ارتباطی نوین و تأثیرات آن بر هویت قومی
 جوانان شهر سنندج،” ژبیار، شماره ۸۳-۸۴ (۱۳۹۲)،
 ۲۲۵-۲۴۲.

۷۱-۸۲ (۱۳۹۲)، ۱۷-۳۵؛ رشید احمدرش، “تحلیل
 جامعه‌شناختی تعامل تاریخی مذهب و مدرنیته در
 گردستان،” ژبیار: پرونده داعش و داعشیسم، شماره
 ۸۷-۸۸ (۱۳۹۴)، ۱۰۱-۱۱۶؛ حمزه محمدی، “خوانش
 دانشجویی از پدیده داعش (نمونه موردی دانشجویان
 کرد)،” ژبیار، شماره ۸۷-۸۸ (۱۳۹۴)، ۱۱۷-۱۴۰؛
 مصلح کهنه‌پوشی، “تبعیض قومی در گردستان
 (بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)،” ژبیار: پرونده
 جهانی شدن و مسئله ملیت‌ها، شماره ۵۵ (۱۳۸۳)،
 ۱۳۸-۱۶۴؛ احمد محمدپور، “بررسی جامعه‌شناختی
 تطبیقی فرایند و وضعیت کم‌توسعه‌یافتگی اقتصادی
 و اجتماعی در گردستان ایران (در دوره‌های ۱۳۵۵،
 ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ شمسی)،” ژبیار، شماره ۵۵ (۱۳۸۳)،
 ۲۱۶-۲۷۶؛ مسعود بیننده “ره‌هله‌کناسی بزافی
 خویندکاری کردی (تبارشناسی جنبش دانشجویی
 کردی)،” ژبیار: پرونده جنبش‌های اجتماعی، شماره
 ۶۰ (۱۳۸۵)، ۱۳۵-۱۴۴؛ عباس محمدزاده (ملکشاه)،
 “زویای پنهان قیام ایلام (در سال ۱۳۰۸ خورشیدی)،”
 ژبیار: پرونده ایلام و کرمانشاه، شماره ۶۴ (۱۳۸۶)،
 ۵-۱۸؛ ظاهر سارایی، “غلام رضا خان ارکوزی،”
 ژبیار، شماره ۶۴ (۱۳۸۶)، ۱۹-۳۰؛ یه‌حیا ئه‌مینی،
 “سیاستی پرزاختانی و فره‌نگ و زاراه‌ی که‌له‌پوری
 (سیاست رضاخان و فره‌نگ و له‌جه کلهری)،” ژبیار،
 شماره ۶۴ (۱۳۸۶)، ۴۹-۵۴؛ سیدوحید میربیگی،
 “خوانشی عربان از اصول اعتقادی طریقت یارستان،”
 ژبیار، شماره ۶۴ (۱۳۸۶)، ۷۳-۸۰؛ نازوان رازیانی،

نظری آن مستقیماً با مسائل جامعه‌گردستان مرتبط است. این مجله رسالت خود را "بسط تفکر مفهومی در حوزه علوم انسانی" با هدف "درک توانمندی‌ها و قابلیت‌های فکری و عملی خود در نیل به جامعه آزادتر و اخلاقی‌تر"^{۱۲۳} قرار داده است.

نویسا و پُرافه دو مجله مهم دیگرند که کانون کازبوه، از نهادهای دانشجویان گرد در دانشگاه تهران، آن را از نیمه اول دهه ۱۳۸۰ منتشر می‌کرد. این مجلات تک‌زبانه بوده و صرفاً به فارسی منتشر می‌شدند. در پی توقیف پُرافه کادر نویسندگان آن مجله نویسا را تحت نظر همان کانون راه‌اندازی کردند. این مجلات به موضوع جامعه‌گردستان به‌طور عام علاقه‌مند بود و ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن را بررسی می‌کرد و در مواردی خاص نیز به مسایل گردستان ایران می‌پرداخت. هدف پُرافه تحلیل مسایل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گردستان بود، اما از عناوین و موضوعات انتخاب‌شده آن می‌توان فهمید که بیشتر جهت‌گیری سیاسی داشت. به عبارت دیگر، سعی داشت موضوعات را از دو بعد نظری و انضمامی تحت پوشش قرار دهد و در عین حال از نظر جغرافیایی نیز خود را به گردهای ایران محدود نمی‌کرد. از این رو، شماره دوم خود را به گردستان ایران و شماره سوم خود را به گردستان عراق و ترکیه اختصاص داد.^{۱۲۴} نویسا نیز پرورنده‌هایی تحت عنوان "ناسیونالیسم در گردستان ۱ و ۲"، "ادبیات معاصر کردی" و "فمینیسم/

به‌ختیار سه‌جادی، هژشیر علی، "به چه مکرک‌دنده‌وهی ناسنامه‌ی کوردی [مفهوم‌سازی هویت کردی]، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۱۱-۳۰؛ ته‌یوب که‌ریمی، "پیکهاتی نیدنولوزی کوردایه‌تی [شکل‌گیری ایدئولوژی کردایه‌تی]، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۳۱-۳۶؛ حسین موحه‌م‌دزاده، "یادداشتی‌کی له‌سه‌ر ناسنامه‌ی کورد ای‌دداشتی بر هویت گردا"، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۱۲۵-۱۲۸؛ محمد حقمرادی، "واسازی گفتمان‌های ملی‌گرایانه: بحثی در هویت و زبان مادری"، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۱۳۹-۱۷۰؛ فواد کریمی، "تبارشناسی و واکاوی گفتمان هویت ملی در ایران"، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۱۷۱-۱۸۰؛ زکریا قادری، "تقابل‌های دوگانه‌ آیین زرتشت و دیگری این تقابل"، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۱۹۳-۲۲۵؛ خالد توکلی، "بازی‌های هویتی: گذر از لایه‌های هویت‌های ثابت"، ژبوار، شماره ۱۹-۲۰ (۱۳۹۳)، ۲۴۳-۲۶۳.

^{۱۲۳} جلیل کریمی و کمال خالقی‌پناه، "نهادهای مدنی در عرصه عمومی (مطالعه موردی کانون دانشجویی کازبوه)"، زریبار: مدرنیته، شماره ۷۱-۷۲ (۱۳۸۸)، ۱۰-۲۳.

^{۱۲۴} ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۱. ^{۱۲۳} جلال حاجی زاده، "نظریه سیاسی و سیاست زبان‌اندیشی"، ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۱۴۷-۱۸۶؛ میدیا رحیمی، "زبان، ایدئولوژی و تجسم آن در کنش سیاسی"، ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۱۲۹-۱۴۶؛ جبار اصلانی، "محمد نوری، تأملی بر فاجعه حلبچه"، ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۳۲۵-۳۴۸؛ سید محمد اکبری، "نگاهی به آیین یاری"، ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۳۶۳-۴۰۱؛ نازاد حاجی ثاقایی، "پیوندهی نیوان شوناس و بیروه‌وه‌ری [رابطه هویت و خاطره]، ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۷-۲۲؛ نه‌وزاد جه‌ماله "پیوندی نیوان هیوا و سیستم ایپوند امید و سیستم"، ژبوار، شماره ۱۷-۱۸ (۱۳۹۳)، ۱۷-۲۲؛ عبید رووحی، "خویننده‌ه‌یک‌کی پرخنه‌گرانه له‌سه‌ر ده‌قی مه‌نشوری مافه‌کائی هاوولاتی و سه‌روکایه‌تی کوزمار آخوانش انتقادی متن بیانیته حقوق شهروندی رئیس‌جمهورا"، ژبوار، شماره ۱۷-۱۸ (۱۳۹۳)، ۳۵-۵۲؛ فرهاد محمدی، "اعلام استقلال گردستان سوریه با نقد پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل"، ژبوار، شماره ۱۷-۱۸ (۱۳۹۳)، ۳۴۵-۳۵۴؛ زکریا قادری، "خرد سیاسی پارس‌ها: گسست یا تداوم هویت‌خواهی مادها"، ژبوار، شماره ۱۷-۱۸ (۱۳۹۳)، ۴۱۹-۴۶۳؛

زن‌گرد“ منتشر کرد. لازم به ذکر است که شمار زیادی از نوشته‌های این مجله نیز آثار ترجمه‌ای بود.^{۱۲۵}

مجله چشم‌انداز ایران، که نشریه‌ای سراسری است، نیز از جمله مجلاتی برشمرده می‌شود که توجه به مسایل گُردستان ایران را در سه شماره در دستور کار خود داشته است. مجله مذکور به‌ویژه در سه شماره ویژه‌نامه‌هایی با عنوان “گُردستان همیشه قابل کشف“ (در زمستان ۱۳۸۲، پاییز ۱۳۸۴، زمستان ۱۳۸۷) منتشر کرد. تأکید اصلی این نشریه بر بازخوانی وقایع و رویدادهای سیاسی گُردستان ایران در قرن بیستم و به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی بود. این مجله به شکلی کاملاً انتقادی و با تأکید بر بازگویی خاطره و تحلیل دست‌اندرکاران دوران پس از انقلاب در گُردستان و نیز با تأکید بر منابع و اسناد آرشیوی سعی در ساختارشنکی روایت‌های ناسیونالیستی موجود از گُردستان و رویدادهای سیاسی گُردستان از جمله جنبش سمکو، جمهوری مهاباد و وقایع بعد از انقلاب در گُردستان داشت. گفت‌وگوها و یادداشت‌های تحلیلی آن بیشتر در درون گفتمان ناسیونالیسم ایرانی می‌گنجد. از سوی دیگر، تلاش بسیاری برای شکستن تصویر کاریزماتیک برخی از شخصیت‌های سیاسی گُردستان در آن صورت گرفت. در این نوع خوانش، احسان هوشمند در مقام یک نویسنده اصالتاً گُرد که در حوزه پژوهش‌های قومی فعال است، نقشی بسیار پررنگ و تأثیرگذار داشت و سعی کرد اسناد و مدارکی به منظور تحقق خوانش مورد نظر مجله فراهم سازد. تلاش عمده این مجله اثبات پیوستگی تاریخی گُردها به بدنه ایران است. تهی‌سازی رویدادها و شخصیت‌های تاریخی معاصر گُردستان از دیگر اهداف مد نظر این نشریه بود. در حقیقت، این سلسله مباحث به مثابه نوعی “مطالعه شرق‌شناسانه از گُردستان بود.”^{۱۲۶} لازم به ذکر است که برخی از مقالات این مجله در شماره دوم آن نقد و بررسی تحلیلی‌های شماره‌های قبل بود که غالباً

^{۱۲۲} ژبوار، شماره ۱۶-۱۵ (۱۳۹۲)، ۱.
^{۱۲۴} جلیل کریمی و کمال خالقی‌پناه، “تهادهای مدنی در عرصه عمومی (مطالعه موردی کانون دانشجویی کازبوه)،” زربار: مدرنیته، شماره ۷۱-۷۲ (۱۳۸۸)، ۱۰-۲۳.
^{۱۲۵} معروف عمر گل، “زمینه‌های تشکیل دولت گُرد در جنوب گُردستان،” ترجمه محمد بایزیدی، رافه، شماره ۳ (۱۳۸۱)، ۱۱-۳۰؛ ذبیح‌الله مهری‌پور، “گُردستان عراق و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران،” رافه، شماره ۳ (۱۳۸۱)، ۵۱-۶۰؛ بختیار علی، “انفال از اراده معطوف به کشتار تا اراده معطوف به نسیان،” ترجمه مصطفی احمدزاده، رافه، شماره ۳ (۱۳۸۱)، ۲۹۷-۳۵۸؛ تد گار، “موقعیت اقلیت‌ها در خطر،” ترجمه جلیلی کریمی، رافه، شماره ۳ (۱۳۸۱)، ۳۹۳-۴۲۲؛ عباس ولی، “گُردها و دیگری‌ها،” ترجمه کاوه دستوره، نویسنده شماره ۱ (۱۳۸۳)، ۳-۳۸؛ شهرزاد مجاب، “زن و ناسیونالیسم در جمهوری ۱۹۴۶ مهاباد،” ترجمه رشید احمدرش، نویسنده شماره ۱ (۱۳۸۳)، ۸۱-۱۰۸؛ سوزان مک‌دونالد، “زنان گُرد و حق تعیین سرنوشت،” ترجمه کمال خالقی‌پناه، نویسنده شماره ۱ (۱۳۸۳)، ۱۶۷-۱۹۴؛ این درویش، “اصول قانونی حق تعیین سرنوشت ملت گُرد،” ترجمه انور هزبری و شادی نیکخواه، نویسنده شماره ۱ (۱۳۸۳)، ۲۶۳-۲۹۱.
^{۱۲۶} خالد توکلی، “نگرش شرق‌شناسانه به گُردستان،” چشم‌انداز ایران: گُردستان همیشه قابل کشف (پاییز ۱۳۸۴)، ۲.

نویسندگان گرد مطرح کرده بودند. این نوع نگاه در مجلات دیگر نیز نظیر مجله گفتگو: ویژه‌نامه گرد و کردستان تقریباً با همین کادر نویسندگان دنبال شد. در پرونده این مجله نیز سعی بر آن بود که جامعه کردستان چونان جامعه‌ای دارای گسست‌های فرهنگی و زبانی به تصویر کشیده شود که به هیچ وجه نمی‌تواند مفهوم یک ملت یا قوم واحد را حفظ کند. علاوه بر این، سعی داشت به خوانش برخی موضوعات از قبیل دوم خرداد و کردستان یا شاخص‌های توسعه در این منطقه پردازد. این فصلنامه در ویژه‌نامه‌های دیگر، مختص کرمانشاه، نوعی تمایل به تأکید بر هویت ایرانی کرمانشاه، مسکوت گذاشتن «کردستانی بودن» کرمانشاه و طرح زبان پارسی کرمانشاهی مشاهده می‌شود.^{۱۲۷}

نهایتاً اینکه در حوزه مطالعات تاریخی-سیاسی کردستان نباید از این نکته مهم غافل بود که آثار متعددی نیز از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی گردی در طول سالیان پس از خروج از کردستان ایران منتشر شده که آنها نیز به نوعی جوانبی از حیات سیاسی و تاریخی معاصر این منطقه را بازنمایی کرده‌اند.^{۱۲۸}

مطالعات اجتماعی گردشناختی

مطالعات اجتماعی گردشناختی بیشتر از سوی دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی در کمتر از دو دهه اخیر صورت گرفته است که شماری از آنها به صورت کتاب در دسترس‌اند. این دسته از مطالعات را می‌توان در چند مقوله تقسیم‌بندی کرد: نخست، مطالعاتی که با محوریت توسعه و تغییرات اجتماعی در کردستان ایران انجام شده‌اند.^{۱۲۹}

صادقی، لطیف پرتوی و احمد محمدپور، سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تغییرات خانواده در میان ایلات گورک و منگور مهاباد (تهران: مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۷)؛ جلیل سجایی، «پیامدهای ورود تکنولوژی و صنعت به مناطق کردنشین ایران: ارزیابی پایداری فرهنگی با تأکید بر تغییرات ارزشی هنجاری در جنوب آذربایجان غربی» (رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۰)؛ رشید احمددرش، «موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کردستان» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)؛ رشید احمددرش، «تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان (بررسی موردی مناطق روستای موکریان)» (رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه روستایی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱)؛ رشید احمددرش و یاسمن توحیدیان، «مذهب و مدرنیته در کردستان: تحلیل جامعه‌شناختی اثرگذاری عناصر مدرن بر ارزش‌های مذهبی در جامعه روستایی موکریان». پژوهش‌های روستایی، شماره ۵

^{۱۲۷} مجله گفتگو تا به حال چندین شماره خود را به کردستان ایران و بخش‌های دیگر کردستان در سایر کشورهای اختصاص داده است. بنگرید به گفتگو: کرد و کردستان، شماره ۴۰؛ گفتگو: جمهوری مهاباد، شماره ۵۳؛ گفتگو: اقلیم کردستان عراق، شماره ۵۸؛ گفتگو: کرمانشاه و هویت ایرانی، شماره ۶۱.
^{۱۲۸} جهلیل گادانیه، پنج‌سال خه‌بات: کورته یژمیژویه‌کی حزبی دیموکراتی کوردستانی ئێران، دو به‌رگ (سلیمانی: ده‌زگای موکریان ۲۰۰۸)؛ عه‌بدو‌للا حه‌سه‌ن‌زاده نیو سه‌ده تیکۆشان: ئ‌ئ‌و‌رێک له خه‌باتی حزبی دیموکراتی کوردستانی ئێران (سلیمانی: حدکا، ۱۹۹۶)؛ معرووف که‌عی، ده‌شتی داری: هه‌نگاوێک به‌ره‌و گۆڕینی دونه‌ی (سلیمانی: ئاوێنه، ۲۰۱۰)؛ غنی بلوربان، ئاله‌گۆک ابرگ سیز، ترجمه رضا خیری مطلق (تهران: رسا، ۱۳۸۲).
^{۱۲۹} علی گلاویز، مناسبات ارضی و فروپاشی نظام عشیره‌ای (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۹)؛ محمدپور، از سنت به نوسازی؛ محمدپور، تجربه نوسازی؛ مهدی رضائی، رسول

این مطالعات سعی داشته‌اند ضمن بررسی فرایند مدرنیزاسیون در کردستان به جوانب توسعه‌ای و تأثیرات آن بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی اعم از سبک زندگی، دین، هویت، ساختار اجتماعی و فرهنگی و مانند اینها بپردازند. رویکرد نظری غالب این مطالعات نظریات مدرنیزاسیون بوده و در اغلب آنها از روش‌های میدانی انسان‌شناختی استفاده شده است.

دوم، مطالعات اجتماعی که به حوزه هویت در کردستان توجه کرده‌اند.^{۱۳۰} هدف عمده این مطالعات تبیین تغییرات ناشی از مدرنیزاسیون و تأثیر آن بر هویت فردی و اجتماعی، مخصوصاً بر زنان و جوانان، بوده است. همچنین، این مطالعات بر وضعیت هویت قومی و ملی در ایران نیز بسیار تأکید داشته‌اند و درصد شناخت میزان گرایش به هویت‌های قومی در مقابل هویت ملی بوده‌اند. شماری از این مطالعات به بررسی هویت قومی در فضای مجازی نیز پرداخته‌اند. شاید بتوان گفت این مطالعات به نوعی در صدد سنجش و بررسی میزان گرایش یا فاصله گروه‌های مختلف جامعه به / از هویت کردی از سویی و فهم نحوه تأثیرگذاری تغییرات چند دهه اخیر بر این هویت از سوی دیگر بوده‌اند. لازم به ذکر است که مطالعات متعددی نیز در زمینه هویت دینی و گروه‌های دینی مختلف در کردستان صورت گرفته است.^{۱۳۱}

حسین محمدزاده و محمدرضا شادرو، "عوامل مؤثر بر پیوستگی و گسستگی قوم‌گرایی سیاسی"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵ (۱۳۹۰)، ۲۰۱-۲۲۰؛ خالد شیخی، "بررسی تطبیقی میزان باور به نگرش‌های روشنفکری در میان دبیران علوم اجتماعی و علوم پایه کردستان" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، ۱۳۸۶)؛ اسدالله نقدی، احمد محمدپور و علی سوری، "تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران"، مجله علوم پزشکی کرمان، شماره ۴ (۱۳۸۹)، ۱۳۱-۱۵۶؛ محمد رشید صوفی، "تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی هویت کردی در سینمای ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۷).

^{۱۳۱} حسین کچویان و جمال خسروی، "اسلام‌گرایی در کردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کردی و واگرایی، علل و زمینه‌ها (نمونه موردی تطورات گفتمان مکتب قران)"، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۳ (۱۳۹۱)، ۳۹-۵۸؛ بیان علایی حسینی، "بررسی مردم‌شناختی دو طریقت قادریه و نقشبندیه در استان کردستان: مطالعه موردی زنان شهر سقز" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰)؛ هاوژین بقالی، "بررسی سازوکارهای تأثیرگذاری دین بر هویت اجتماعی کردها (مطالعه موردی سلفیسم در کردستان)" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۰).

روستایی موکریان، "پژوهش‌های روستایی، شماره ۵ (۱۳۹۲)، ۵۵۹-۵۸۴؛ کریم حسین‌زاده دلیر و سعید ملکی، "بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۴، شماره ۶ (۳۸۵)، ۱-۲۶.

Mohammadpur, *Promoting Survival: A Grounded Theory Study of Consequences of Modern Health Practices in Ouramanat Region of Iranian Kurdistan.*

^{۱۳۰} غلامعباس توسلی و یارمحمد قاسمی، "مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴ (۱۳۸۱)، ۳-۲۵؛ امید قادرزاده، "آموزش و پرورش و هویت ملی (مطالعه موردی دانش‌آموزان شهرستان بانه)"، مطالعات ملی، دوره ۱۵، شماره ۵۹ (۱۳۹۳)، ۸۱-۱۰۶؛ امید قادرزاده، احمد محمدپور و احمد غلامی، "خالکوبی و برساخت هویت فردی بازتابنده، مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۴، شماره ۱ (۱۳۹۲)، ۱۶۱-۱۸۵؛ محمد عبداللهی و امید قادرزاده، "هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق"، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶ (۱۳۸۸)، ۱-۲۵؛ محمدرضا شادرو، حسین محمدزاده و جلال‌الدین رفیع فر، "عوامل اجتماعی مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران"، راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۱، شماره ۳ (۱۳۹۱)، ۷۵-۹۶.

سوم، مطالعات جمعیت‌شناختی‌اند که غالباً با رویکرد اثباتی اجرا شده‌اند و بر حوزه خانواده و پویایی‌های جمعیتی آن مانند زاد و ولد، ازدواج و طلاق، مرگ و میر تمرکز دارند.^{۱۳۲} با افزایش تعداد دانش‌آموختگان رشته‌های جمعیت‌شناسی در دهه ۱۳۸۰ش بر تعداد مطالعات این حوزه در گُردستان افزوده شد. مطالعات جمعیتی انجام گرفته در گُردستان که بخش اعظم آن را موضوع زاد و ولد در خود گُردستان یا پدیده مرگ و میر در مقایسه با سایر اقوام تشکیل داده، توانسته است فتح بایی برای گسترش مطالعات جمعیتی در گُردستان باشد.^{۱۳۳} در این دسته از مطالعات به شکلی خاص بر عامل قومیت تأکید شده است؛ به‌ویژه در مطالعاتی که حالت مقایسه‌ای داشته و تلاش شده است تا شرایط دموگرافیک و رفتارهای جمعیت‌شناختی خانواده‌های گُرد را با سایر اقوام از جمله ترک‌ها مقایسه کند و از درون این مقایسه بر عنصر نابرابری و تبعیضات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نسبت به گُردها تأکید شود.

۵، شماره ۱۹ (۱۳۸۶)، ۱۰۹-۱۴۰.
^{۱۳۲} حاتم حسینی و محمدجلال عباسی شوازی، "تعین‌کننده‌های بلافضل باروری زنان کرد و ترک شهرستان ارومیه: کاربرد روش تجزیه بونگارت"، مجله مطالعات اجتماعی ایران؛ دوره ۴، شماره ۲ (۱۳۸۹)، ۲۳-۴۸؛ حاتم حسینی و محمدجلال عباسی شوازی، "تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۷، شماره ۲۵ (۱۳۸۸)، ۵۵-۸۴؛ مهدی رضائی، "زمینه‌های کم‌فرزندآوری در گُردستان ایران" (رساله دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰)؛ محمدجلال عباسی شوازی و سعید خانی، "الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج‌کرده در شهرستان قروه"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۷ (۱۳۸۸)، ۳۵-۶۶؛ سعید خانی و حسین ضرغامی، "بررسی روند نرخ بیکاری در استان گُردستان طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵"، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۴ شماره ۱۱ (۱۳۹۲)، ۶۵-۸۰؛ سهیلا خزایی، "بررسی میزان مرگ و میر نوزادان در بیمارستان امام خمینی شهر ایلام"، مجله بیماری‌های کودکان، دوره ۱۳ (۱۳۸۱)؛ یارمحمد قاسمی و اسحاق قیصریان، "مرگ و میر کودکان و محرومیت اجتماعی: مطالعه موردی استان ایلام"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۰ (۱۳۸۷)، ۲۷-۵۱.
 Hatam Hosseini and Amir Erfani, "Ethnic difference in attitude and practice of Consanguineous Marriage among Kurds and Turks In Uromiah Distric, Iran," *Journal of Comparative Family Studies*, 45:3 (2014), 389-403.

^{۱۳۳} رضائی و همکاران، سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تغییرات خانواده در میان ایلات گورک و منگور مهاباد؛ مهدی رضائی، لطیف پرتوی و احمد محمدپور، "مدرنیزاسیون و تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده در گُردستان"، نامه جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۱۶ (۱۳۹۲)، ۱۴۷-۱۷۵؛ حجت سراج، "مطالعه جمعیت‌شناختی الگوهای ازدواج در شهر کرمانشاه" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۱۳۹۲)؛ لیلیا عنایت‌زاده و محمود قاضی طباطبایی، "تجربه زیسته زنان مطلقه کرد، فرایندها و چالش‌های آنان: بررسی پدیدارشناختی (مطالعه موردی شهرستان سقز)"، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، سال ۵، شماره ۳ (۱۳۹۲)، ۳۷۳-۳۹۶؛ فردین قریشی، داوود شیرمحمدی و آوات برجوند، "فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته مطالعه موردی شهر سقز"، مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۷ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، ۱۹-۳۰؛ علیرضا قاسمی و باقر ساروخانی، "عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی در کرمانشاه"، مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳۹ (۱۳۹۲)، ۶۹-۸۷؛ خالد شیخی، "درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن"، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، شماره ۱ (۱۳۹۱)، ۶۶-۷۷؛ سیروس فرخزایی و شرمین حکمت، "عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت"، زن و مطالعات خانواده، دوره ۲، شماره ۷ (۱۳۸۹)، ۱۰۳-۱۲۰؛ محمداسماعیل ریاحی، اکبر علیوردی‌نیا و سیاوش بهرامی کاکاوند، "تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق در کرمانشاه: زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره

چهارم، مطالعات حوزه جنسیت و زنان است که به شکل عمده با مطالعه برخی آسیب‌های اجتماعی پنهان زنان آغاز شد که از آن میان می‌توان به کتاب تراز‌دی تن: خشونت علیه زنان اشاره کرد که هدف آن بررسی موضوع ختنه کردن زنان گرد در ایران است.^{۱۳۴} این مطالعه به نوعی نقد درون اجتماعی و درون قومی بر جامعه گردستان محسوب می‌شود. کتاب زن گرد نیز از جمله کتاب‌هایی است که سعی در طرح خوانشی عاملیت‌محور از زنان گرد دارد. این کتاب، همان‌گونه که از عنوانش پیداست، در صدد تلفیق امر جنسیتی زن با واقعیت قومیتی وی در گردستان است و سعی در بازتعریف جایگاه زنان گرد دارد.^{۱۳۵} در حوزه زنان مطالعاتی هم پیرامون بازنمایی فرهنگی زنان در ادبیات کردی و صورت‌بندی هویتی زنان معاصر انجام شده است که در آنها موضوع هویت زنان مورد توجه است.^{۱۳۶} خودکشی زنان گرد در استان ایلام از جمله موضوعات دیگر در همین حوزه است که پژوهش‌های بسیاری درباره آن صورت گرفته است. دلیل این توجه افزایش معضل خودسوزی زنان در این منطقه از گردستان است.^{۱۳۷} علاوه بر این، پژوهش‌هایی نیز در خصوص زنان گرد با رویکرد جمعیت‌شناختی اجرا شده که در آنها بر میزان استقلال زنان گرد در دخالت در امر تولید مثل و تعداد فرزندان یا استفاده از وسیله‌های پیشگیری از باروری تأکید شده است.^{۱۳۸}

پنجم، تک‌نگاری‌هایند. این دسته از مطالعات مونوگرافی‌ها یا تک‌نگاری‌هایی‌اند که به بررسی موردی برخی موضوعات، مکان‌ها یا رویدادها در گردستان توجه کرده‌اند.

ستار کیخاوی، "بررسی شیوع خودکشی موفق و ناموفق در استان ایلام، ۱۳۷۶"، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۸، شماره ۲۸ (۱۳۷۹)، ۷-۱۲؛ محسن رضاییان و غلامرضا شریفی، "خودسوزی مهم‌ترین روش خودکشی در استان ایلام"، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۶ (۱۳۸۵)، ۲۸۹-۲۹۰؛ علی خورشیدی، کورش سایه‌میری و مهران بابانژاد، "تحلیل روند فصلی خودکشی در استان ایلام طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸"، مجله اپیدمیولوژی ایران، دوره ۹، شماره ۳ (۱۳۹۲)، ۱۷-۲۳.

^{۱۳۸} حاتم حسینی و بلال بگی، "استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱۹، شماره ۳۹ (۱۳۹۱)، ۵۷-۷۸؛ حسین محمودیان و مهدی رضائی، "زنان گرد و کنش کم‌فرزندآوری"، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۴، شماره ۵۵ (۱۳۹۱)، ۱۷۳-۲۵۵.

^{۱۳۴} فاطمه کریمی، تراز‌دی تن: خشونت علیه زنان (تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹).

^{۱۳۵} سهیلا شهریاری، زن گرد: نظریه مبنایی در باب زنان گرد (تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۴).

^{۱۳۶} احمد محمدپور، جلیل کریمی و نشمیل معروف‌پور، "مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (گویش سوارنی موکریانی)"، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۴، شماره ۱۳ (۱۳۹۱)، ۶۵-۸۳؛ گالاه برنا، "مطالعه کیفی تغییرات در سبک زندگی و صورت‌بندی هویتی زنان در گردستان ایران: مطالعه موردی شهر مریوان" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۱۳۹۲).

^{۱۳۷} رضا صفابخش و محمد میرزایی، "بررسی علل افزایش نرخ خودکشی در استان ایلام و راه‌های کاهش آن" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)؛ علی خورشیدی، محمدتقی یاسمی، نازیلا اساسی و قاسم زمانی، "تعیین بار ناشی از رفتارهای خودکشی در استان ایلام"، پایش، دوره ۳، شماره ۴ (۱۳۸۳)، ۲۵۷-۲۶۴.

برای نمونه، می‌توان از جامعه‌شناسی تاریخی کرمانشاه،^{۱۳۹} مونوگرافی سقز،^{۱۴۰} فرهنگ روستاهای مهاباد،^{۱۴۱} نگاهی به تاریخ مهاباد،^{۱۴۲} سنده‌نامه،^{۱۴۳} سلسله‌الیمان لرستان،^{۱۴۴} پیشینه ورزش در کردستان: سقز،^{۱۴۵} اخبار کردستان به روایت روزنامه‌های دولت علیه ایران وقایع اتفاقیه و ایران،^{۱۴۶} تاریخ آموزش و پرورش کردستان،^{۱۴۷} ایلات و عشایر کردستان،^{۱۴۸} کرد و پراکندگی آن در گستره ایران زمین،^{۱۴۹} گزیده‌ای از اسناد کردستان،^{۱۵۰} تاریخ ماکو،^{۱۵۱} ارومیه اشنویه و رواندز،^{۱۵۲} و کرد در اسناد بریتانیا^{۱۵۳} نام برد. بسیاری از این آثار تلاش کرده‌اند به اتکای داده‌های آرشیوی و اسناد گذشته به بازسازی فرهنگ و تواریخ متفاوت کردستان بپردازند.

نهایتاً اینکه اگر محتاطانه بتوانیم مطالعات حقوقی را نیز در این حوزه بگنجانیم، باید به این نکته اذعان کرد که مطالعات گردشناسی حقوقی نیز به تدریج در حال ظهور است. این مطالعات مستقیم و غیرمستقیم به ابعادی از جامعه کردستان از جمله حقوق اقلیت‌ها، حقوق زبانی، حمایت بین‌الملل و حقوق بشر پرداخته‌اند.^{۱۵۴}

^{۱۳۹} جلیل کریمی، جامعه‌شناسی تاریخی کرمانشاه: تحلیل تاریخی فقر و اسکان غیررسمی در کرمانشاه (کرمانشاه: پژوهشکده مطالعات کالبدی کرمانشاه، ۱۳۹۵).

^{۱۴۰} عبدالله کاوه، مونوگرافی سقز (سقز: انتشارات محمدی، ۱۳۶۷).

^{۱۴۱} هه‌رمان و تمنانی، زانکۆ خه‌لیفه، فه‌ره‌ه‌نگی ئاواپه‌کانی مه‌هاباد: فرهنگ روستاهای مهاباد (تهران: همایش دانش، ۱۳۸۸).

^{۱۴۲} محمد صمدی، نگاهی به تاریخ مهاباد (مهاباد: رهرو، ۱۳۷۳).

^{۱۴۳} مه‌حیدرین حه‌ق‌شناس، شاره‌که‌م سنه (تهران: نشر پانیز، ۱۳۸۹).

^{۱۴۴} روح‌الله بهرامی، سلسله‌الیمان لرستان: مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی ایلام و لرستان (خرم‌آباد: حروفیه و دانشگاه لرستان، ۱۳۸۸).

^{۱۴۵} بهرام مهریما، پیشینه ورزش در کردستان: سقز (تهران: توکلی، ۱۳۹۰).

^{۱۴۶} جمشید صداقت کیش، اخبار کردستان به روایت روزنامه‌های دولت علیه ایران وقایع اتفاقیه و ایران (تهران: توکلی، ۱۳۹۰).

^{۱۴۷} عبدالحمید حیرت سجادی، پیشینه آموزش و پرورش کردستان (تهران: عابد، ۱۳۸۱).

^{۱۴۸} عبدالحمید حیرت سجادی، ایلات و عشایر کردستان (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۸۲).

^{۱۴۹} احیدر بهتویی، کرد و پراکندگی آن در گستره ایران زمین (ناشر: حیدر بهتویی، ۱۳۷۷).

^{۱۵۰} اسماعیل شمس، گزیده‌ای از اسناد کردستان: مجلس اول تا پنجم شورای ملی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲).

^{۱۵۱} حسینعلی افتخار بیات و حسین احمدی، تاریخ ماکو (تهران: شیرازه، ۱۳۸۱).

^{۱۵۲} عبدالزاق اصفهانی، ارومیه، اشنویه، رواندز در ۱۲۲۹ هجری قمری (تهران: توکلی، ۱۳۹۱).

^{۱۵۳} و. همدی، کردستان و کرد در اسناد محرمانه بریتانیا، ترجمه بهزاد خوشحالی (همدان: نور علم، ۱۳۷۸).

^{۱۵۴} ستار عزیزی، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (همدان: نور علم، ۱۳۸۵)؛ اسعد اردلان، حقوق ملت‌ها (سنندج: کالج، ۱۳۹۴)؛ هیوا خدزی، "موانع و زمینه‌های فرهنگی اعمال حقوق بشر از نگاه زنان کرد" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵)؛ آرمان شریعتی، "بررسی حق بر آموزش به زبان مادری در نظام حقوقی ایران در پرتو اسناد حقوق بشر" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵)؛ شایان سیداحمدی، "بررسی عملیات انفال از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر رأی دادگاه عالی کیفری عراق" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳).

مطالعات حوزه فرهنگ

مطالعاتی که در حوزه فرهنگ کردستان ایران انجام شده‌اند بیشتر معطوف به زبان و ادبیات و تا حدودی معطوف به میراث فرهنگی و هنرنند. این مطالعات شامل زمان و داستان کوتاه کردی، شعر کردی، ترجمه اشعار کردی به فارسی، نقد و بررسی شعر کردی، زبان‌شناسی و فرهنگ‌نویسی می‌شوند.

در زمینه ادبیات داستانی باید به رمان‌ها و داستان‌هایی اشاره کرد که نویسندگان کرد و غیرکرد درباره کردها یا کردستان نوشته‌اند. برخی از رمان‌ها را نویسندگان فارس نوشته‌اند، مانند کلیدر که وقایع و شخصیت‌های آن به کردهای خراسان تعلق دارد.^{۱۵۵} از سوی دیگر، رمان‌هایی را هم رمان‌نویس‌های کرد به زبان فارسی با بن‌مایه‌هایی در خصوص جامعه کردستان نوشته‌اند، نظیر شوهر آهوخانم،^{۱۵۶} گورستان غریبان،^{۱۵۷} و سال‌های ابری.^{۱۵۸} رمان‌هایی نیز از زبان کردی به فارسی ترجمه شده‌اند، از جمله آخرین انار دنیا.^{۱۵۹} همچنین، زمان و مجموعه داستان‌های کوتاه زیادی نیز به زبان کردی در کردستان ایران به چاپ رسیده‌اند که از آن جمله می‌توان به آثار شیربیگی، نهایی، قوامی، بناگر، هدایتی، کاکه‌سوری، غلامعلی، هدایتی و نعمت‌پور اشاره کرد.^{۱۶۰} در همین حوزه نباید از رشد آثار مربوط به ادبیات کودکان نیز غافل بود که در قالب داستان و شعر به زبان کردی منتشر شده‌اند. در حوزه نقد و بررسی زمان کردی نیز آثاری منتشر شده‌اند.^{۱۶۱} در حوزه شعر

عبارت‌اند از غروب پروانه، قصر پرندگان غمگین، شهر سفید موسقیدان‌ها.

^{۱۶۰} حسین شیربه‌گی، شاره‌دهر (بوکان: نویسنده ۱۳۷۷)؛ عهتا نه‌هایی، گره‌وی به‌ختی هه‌لاه (بان: مانگ، ۱۳۹۳)؛ فه‌روخ نی‌مه‌تیور، ب‌آندهی بریندار، ماسی سه‌رسام (بان: مانگ، ۱۳۹۳)؛ شارام قه‌وامی، سوهیلا (سلیمانیه: بی‌نا، ۲۰۰۴)؛ سراج بناگر، قولولو (تهران: آنا، ۱۳۹۵)؛ بریا کاکه‌سوری، ده‌نگدانه‌وه (بوکان: بریا کاکه‌سوری، ۱۳۹۳)؛ عه‌لی غولام‌عه‌لی، پادشای ته‌نیایی (سه‌قز: گوتار، ۱۳۹۴)؛ سه‌ید قادر هدایتی، گابور (سه‌قز: گوتار، ۱۳۹۴)؛ سوله‌یمان عه‌بدولر-حیم‌زاده، چاره‌نوسی تاپوکان (هه‌ولیز: سوله‌یمان عه‌بدولر-حی مزاده، ۲۰۱۲).

^{۱۶۱} هاشم احمدزاده، از رمان تا ملت، ترجمه بختیار سجادی (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۸۶)؛ شارام قه‌وامی، شاری ده‌سته و ناقمه‌کان (سن: شارام قه‌وامی، ۱۳۸۶). این کتاب نقد و بررسی یکی از رمان‌های بختیار علی، رمان نویس کرد اهل کردستان عراق، با نام شاری موسیقاره سپیه‌کان است.

^{۱۵۵} محمود دولت‌آبادی، کلیدر (چاپ ۲۳؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰). این رمان اخیراً در کردستان عراق به کردی ترجمه شده است.
^{۱۵۶} علی‌محمد افغانی، شوهر آهوخانم (چاپ ۲۶؛ تهران: نگاه، ۱۳۹۴).

^{۱۵۷} ابراهیم یونسی، گورستان غریبان (تهران: نگاه ۱۳۷۲). از ابراهیم یونسی رمان‌های دیگری همچون زمستان بی‌بهار، دعا برای ارمن، مادرم دوبار گریست، دل‌داده‌ها، خوش آمدی، کج کلاه و کولی به جای مانده که همگی آنها به نوعی به جامعه کردستان و تعامل مردم کرد با غیرکرد می‌پردازد.

^{۱۵۸} علی‌اشرف درویشیان، سال‌های ابری (چاپ ۸؛ تهران: چشمه، ۱۳۹۰). درویشیان کتاب‌های دیگری در حوزه ادبیات داستانی کردستان به زبان فارسی به چاپ رسانده که از جمله می‌توان به داستان‌های کوتاه از نویسندگان کرد و افسانه‌های کردی اشاره کرد.
^{۱۵۹} بختیار علی، آخرین انار دنیا، ترجمه آرش سنجابی (تهران: افراز، ۱۳۹۲). از همین نویسنده رمان‌های دیگری از زبان کردی به فارسی ترجمه شده است که

کردی هم می‌توان به کتاب‌هایی در حوزه علم بیان و شعر نو کردی اشاره کرد.^{۱۶۲} در همین حوزه، مطالعات نویسندگان کرد و غیرکرد داخل و خارج پیرامون شاهنامه کردی و اشعار آیین یارسان در دست است.^{۱۶۳}

درباره فرهنگ‌نویسی و لغت‌نویسی کردی نیز آثار متعددی در کردستان ایران به چاپ رسیده است. این لغت‌نامه‌ها دو زبانه یا سه‌زبانه‌اند (کردی-فارسی؛ انگلیسی-کردی-فارسی؛ فارسی-کردی). از آن میان می‌توان به لغت‌نامه کردی-فارسی هه‌نبانه بوریته،^{۱۶۴} فرهنگ فارسی به کردی دانشگاه کردستان،^{۱۶۵} و فرهنگ انگلیسی-کردی-فارسی کوردستانیکا^{۱۶۶} اشاره کرد. برخی لغت‌نامه‌ها نیز به لهجه‌های خاصی از زبان کردی تعلق دارند، نظیر فرهنگ گروس،^{۱۶۷} فرهنگ کردی کرمانشاهی کردی-فارسی،^{۱۶۸} فرهنگ جیبی کردی بیجاری-فارسی،^{۱۶۹} جدای از موارد فوق، فرهنگ‌های کردی دیگری نیز در ایران و در کردستان به چاپ رسیده‌اند. از مجموع تقریباً ۲۵۰ لغت‌نامه و فرهنگ که تاکنون در حوزه زبان کردی منتشر شده، بیش از ۶۲ اثر در ایران چاپ شده‌اند.^{۱۷۰} این رقم علاوه بر مواردی است که محققان کرد ایرانی در خارج از ایران و از جمله در کردستان عراق به چاپ رسانده‌اند. از سال ۱۳۷۹ ش، در ایران تعداد زیادی لغت‌نامه و فرهنگ کردی گردآوری شده است. در این میان شاهد نگارش لغت‌نامه‌های تخصصی علمی در حوزه‌های علوم سیاسی و اجتماعی و حتی علوم طبیعی و سنتی و دینی هستیم. برای نمونه می‌توان به فرهنگ اصطلاحات علوم سیاسی،^{۱۷۱} فرهنگ اصطلاحات فلسفه علوم اجتماعی،^{۱۷۲} فرهنگ گیاهان دارویی کردستان: کردی-فارسی^{۱۷۳} اشاره

^{۱۶۲} علی‌چوشه‌نی، کوردستانیکا: فرهنگ‌نگی ئینگلیسی ا کردی ا فارسی (بانه: مانگ، ۱۳۹۴).
^{۱۶۷} جعفر سریش‌نابادی و رزا سوهرابی، فرهنگ گروس (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۹۱).
^{۱۶۸} علی‌اشرف درویشیان، فرهنگ کردی کرمانشاهی کردی-فارسی (تهران: نشر سپند، ۱۳۷۵).
^{۱۶۹} محمود هاشم‌نیا و ملوک محمدی، فرهنگ جیبی کردی بیجاری-فارسی (تهران: محمود هاشم‌نیا و ملوک محمدی، ۱۳۷۹).
^{۱۷۰} سروه محمده‌مرادی، "بیلوگرافیای فره‌ه‌نگه کوردیه‌کان،" زریبان، شماره ۷۷-۷۸ (۱۳۹۱).
^{۱۷۱} ه‌حمده شه‌بانی، فره‌ه‌نگی زانستی سیاسی: کردی-فارسی-ئینگلیسی (سنندج: پژوهشکده کردستان‌شناسی، ۱۳۸۹).
^{۱۷۲} فره‌رشید که‌ریمی، فره‌ه‌نگی زاراوه‌کانی فره‌سه‌فه و زانسته کۆمه‌لایه‌تیه‌کان، ئینگلیسی-فارسی-کورد (سلیمان‌ی: سه‌رده م، ۲۰۰۶).

^{۱۶۳} محمده‌مه‌ده‌ه‌ره‌مه‌ر، سواره و په‌خشانی کردی، دسترس‌پذیر در Kurdipedia.org؛ عبدالخالق پرهیزی، بیان کردی در شعر نالی (سردشت: چاپ نفیس، ۱۳۸۶)؛ کامران ره‌حیمی، بنه‌ماکانی وش‌س‌سازی و وش‌ه‌رو‌نان له‌زمانی کوردیدا ا‌نبیان واژ‌سازی در زبان کردی ا (سه‌قز: گوتار، ۱۳۸۷).
^{۱۶۴} صدیق صفی‌زاده، دانش‌نامه نام‌آوران یارسان (تهران: هیرمند، ۱۳۷۶)؛ صدیق صفی‌زاده، نامه سرانجام: کلام خزانه (تهران: هیرمند، ۱۳۷۶)؛ مصطفی‌بن محمود گورانی، شاهنامه کردی (تهران: آنا، ۱۳۸۸)؛ سیاوش گودهرزی، شانامه‌ی کردی (هولیتز: فاراس، ۲۰۱۳).
^{۱۶۵} Veladimir Minorsky, "Nots sur la sects des Ahle Haqq," *Revue de monde musulman*, XL (1920), 20-97 and XLIV-XLV (1921), 205-302.
^{۱۶۶} عبدالرحمن شرف‌کنندی (هه‌زار)، هه‌نبانه بۆزینه (تهران: سروش، ۱۳۶۷).
^{۱۶۷} ماجد مردوخ روحانی، فرهنگ فارسی-کردی دانشگاه کردستان (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۸۵).

کرد. همچنین، اشکال جدیدی از آثار فرهنگی همچون فرهنگ‌های مربوط به ادبیات شفاهی، زنان، کودکان، اجزای لباس و پوشاک کردی، و مجموعه‌هایی در حوزه آثار فولکلور همچون ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های عامیانه ظهور کرده‌اند.^{۱۷۴} در همین حوزه، یکی دیگر از زمینه‌های مطالعاتی که اخیراً و از سال ۱۳۹۴ آغاز شده مطالعاتی است که در زمینهٔ نسخ خطی مربوط به مناطق کردنشین صورت می‌گیرد. این مجموعه آثار در فصلنامه‌ای تخصصی تحت عنوان کَشکول چاپ و منتشر می‌شوند.^{۱۷۵}

لازم به ذکر است که بخش عظیمی از مطالعات حوزهٔ فرهنگ که در کردستان ایران انجام می‌شود در نشریات تخصصی و غیر تخصصی به چاپ می‌رسند. از جمله نشریات فعال در چند دههٔ اخیر در این حوزه می‌توان به مجلات سروه، ئاویئهٔ چرو، دهق، پژوهش‌های زاگرس، ژیلوان، مهاباد، زمانه‌وان، هایا و زریبار اشاره کرد.^{۱۷۶} در اینجا لازم است با تأکیدی ویژه بر نقش دو مجلهٔ سروه و ئاویئهٔ در حوزهٔ مطالعات کردی اشاره کرد. این مجلات در برههٔ خاصی از زمان (دههٔ ۱۳۶۰ش) به چاپ می‌رسیدند که کتاب و نشریات کردی در فضای عمومی جامعهٔ کردستان کمیاب بود. در این مجلات شخصیت‌هایی همچون محمدامین شیخ‌الاسلامی (هیمن)، از شاعران و نویسندگان نامدار کرد، فعالیت داشتند. این مجلات به نوبهٔ خود نقشی ماندگار در آموزش زبان کردی، اشاعهٔ ادبیات کلاسیک و نو کردی و زبان‌شناسی داشتند. در کردستان ایران مطالعات متعددی نیز پیرامون زبان‌شناسی کردی انجام شده است که در آنها دستور زبان کردی با لهجه‌های گوناگون یا مباحث تخصصی زبان‌شناسی کردی مطرح شده‌اند. این مباحث به صورت پراکنده در بسیاری از مجلات کردی چاپ شده‌اند، اما در مجلهٔ زمانه‌وان به شکلی تخصصی‌تر به این موضوع پرداخته شده است.^{۱۷۷}

حوزهٔ هنر از دیگر حوزه‌های فرهنگی است که امروزه در کردستان آثار متعددی درباره

خطی کردستان است که به مدیریت محمد عبدلی چاپ و منتشر می‌شود.^{۱۷۶} لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر شمار زیادی از نویسندگان کردستان ایران آثار خود را در مجلات منتشره در اقلیم کردستان عراق چاپ می‌کنند.^{۱۷۷} ژویش بلو و ویسی باراک، دست‌ور زبان کردی کرمانجی، ترجمهٔ علی بلخالو (تهران: توکلی، ۱۳۸۷)؛ محمد رحیمی، توصیف ساخت‌واژهٔ گویش سورانی زبان کردی (سنندج: شیخی، ۱۳۹۱)؛ Amir Hasanpur, "The identity of Hewrami speakers: Reflections on the theory and ideology of comparative philology," in *Anthology of Gorani Kurdish Poetry*, ed. A. Soltani (London: Soane Trust for Kurdistan, 1998).

^{۱۷۳} شهاب خضری، فرهنگ گیاهان دارویی کردستان: کردی-فارسی (سنندج: شهاب خضری، ۱۳۸۱).
^{۱۷۴} صلاح پایانیانی، فرهنگ نگار زاره کی موکریان [فرهنگ شفاهی موکریان] (تهران: رهرو، ۱۳۸۵). این فرهنگ شش جلدی یکی از جامع‌ترین آثار در این حوزه است. در جلد پنجم اشعار فولکلور زنان و کودکان گردآوری شده و در جلد ششم بر اجزا و عناصر لباس کردی زنان در منطقهٔ مکریان کردستان ایران تمرکز شده است. مجلدات این مجموعه را ناشران متفاوت و گاه مولفان آنها منتشر کرده‌اند. همچنین بنگرید به پارسا احمدی، بررسی تطبیقی امثال و کردی و فارسی (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۹۴)؛ نهمه نیراهیمی، پهنی پیران، فرموده‌ی ژیران [پند پیرها، سخن خردمندان] (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۹۴).
^{۱۷۵} کَشکول نخستین فصلنامهٔ تخصصی در حوزهٔ نسخ

آن منتشر می‌شود. آثار این بخش بر موسیقی، نقاشی، تئاتر و سینما متمرکزند. در سه دههٔ اخیر کتاب‌های متعددی با موضوع موسیقی و سازهای گردی در مناطق گردنشین به چاپ رسیده‌اند.^{۱۷۸} در این کتاب‌ها سعی شده از سویی تاریخچهٔ موسیقی گردی با تأکید بر اصالت آن بررسی و از سویی دیگر، آلات موسیقی مختص این مناطق شناسایی و معرفی شود. این مطالعات، همچون بسیاری از مطالعات دیگر، با هدف هویت‌سازی در عرصه‌های غیرسیاسی و از جمله هنر موسیقی صورت گرفته‌اند. در حوزهٔ نقاشی، خوشنویسی و تئاتر و تحلیل سینمای گردی نیز شاهد انتشار تدریجی آثار مختلف با بن‌مایه‌های گردی هستیم.^{۱۷۹}

شاید بتوان بیوگرافی‌ها را نیز بخشی از مطالعات عرصهٔ فرهنگی قلمداد کرد. این بیوگرافی‌ها را برخی از شخصیت‌های مطرح گرد اعم از سیاسی و غیرسیاسی به زبان گردی و فارسی نوشته‌اند و هر یک به نوعی، علاوه بر تشریح زندگی فردی و اجتماعی نگارنده، به تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ کردستان و حتی مبارزات سیاسی فعالان حزبی نیز پرداخته‌اند.^{۱۸۰}

نهایتاً اینکه در عرصهٔ فرهنگی مطالعات گردشناسی نباید از نقش برخی نهادهای

مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شمارهٔ ۱۲ (۱۳۸۷)، ۱۶۳-۱۸۲؛ امجد غلامی و امیر غلامی، "بازنمایی و روایت فاجعه در سینمای کردستان با تأکید بر برگزیدهٔ آثار فیلمسازان معاصر ایران"، در مجموعه مقالات اولین همایش منطقه‌ای هویت و سینمای کردی (سنندج: دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، ۱۳۹۴)، ۵-۲۵؛ منصور خلیج، تاریخچهٔ نمایش در باختران (تهران: نشر نقره، ۱۳۶۴)؛ خسرو سینا، "جستاری بر بنیاد و سیر تحول نمایشگری در فرهنگ فولکلور و ادبیات کردستان" (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد کارگردانی دانشگاه هنر، ۱۳۹۰)؛ رحیم عبدالرحیم‌زاده، "بازتاب آیین‌های مردمی در تئاتر معاصر کردستان" (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد کارگردانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱).^{۱۸۰} که‌ریم حسامی، له بیره‌وه‌ریه‌ک‌نم [از خاطر اتم] (سوند: که‌ریم حسامی، ۱۹۸۶)؛ عبدالرحمن شرف‌کندی، چیشتی مجبور اشل‌مشوربا (سنندج: نشر آزادی، ۱۳۸۸). چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۹۶ در پاریس منتشر شد و جزو مهم‌ترین بیوگرافی‌هایی است که یک شخصیت سیاسی-فرهنگی کردستان ایران نوشته است. در ۱۳۸۵، بهزاد خوشحالی آن را به فارسی ترجمه کرد، اما به سبب عدم تأیید از سوی ادارهٔ ارشاد اسلامی مجوز چاپ رسمی پیدا نکرد و اخیراً با عنوان شلم‌شوربا به فارسی ترجمه شده است. مصطفی تیمورزاده، وحشت در سقز (تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۲)؛ حکیم نیلوفری، زنده باد مشروطه، پاینده باد قانون (سقز: گوتار، ۱۳۸۸)؛ احسان نوری پاشا، جنبش ملی گرد در ترکیه (تهران: توکلی، ۱۳۸۰)؛ رؤف ضیایی، یادداشت‌هایی از کردستان (اورمیه: صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۶۷).

مجلهٔ زمانه‌وان [=زبان‌شناس] در نیمهٔ نخست دههٔ ۱۳۸۰ با حمایت انستیتو کوردستان در تهران منتشر می‌شد و در آن به مباحث خاص زبان‌شناسی توجه می‌شد. برای نمونه می‌توان به این مقالات اشاره کرد: به‌ختیار سه‌جادی، "پیوستی بیکه‌پنانی لیژنه‌ی زانسیت بۆ فیژکاری زمانی کوردی له ئێرانده" زمانه‌وان شمارهٔ ۱ (۱۳۸۱)، ۳۳-۴۲؛ رَه‌فێق شوانی، "چۆنیه‌تی ئاوێته‌کردنی زاره‌کانی زمانی کوردی له زمانی ستانده‌ردا" زمانه‌وان شمارهٔ ۲ (۱۳۸۱)، ۲۶-۳۹؛ کامران رَه‌حیمی، "خه‌سازناسی وشه‌سازی له زمانی کوردیدا" زمانه‌وان شمارهٔ ۳ (۱۳۸۵)، ۹-۵۶؛ رَه‌شید کرمانج، "ریشه‌ناسی" زمانه‌وان شمارهٔ ۳ (۱۳۸۵)، ۱۳۹-۱۴۲.^{۱۷۸} همه‌همه‌باقی، میژووی موسیقای کوردی [تاریخ موسیقی کردی] (اورمیه: صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۷۵)؛ ایرج نظامتی، تاریخ موسیقی کرمانشاه (کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۷۷)؛ صدیق صفی‌زاده، تاریخ موسیقی کردی (تهران: بهنام ۱۳۷۷)؛ علی‌اصغر نظرالله‌پور، سازهای کرد (کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۷۸).^{۱۷۹} مسعود رحیمی، بافندهٔ کرد: نقاش ذهن خویش (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶)؛ هادی ضیاء‌الدینی و مهناز شایسته‌فر، "بررسی نقش و طرح در فرش‌های کردی کردستان"، کتاب ماه هنر، شمارهٔ ۱۳۹ (۱۳۸۸)، ۲۰-۲۹؛ سوران کردستانی، "تاریخچهٔ هنر خوشنویسی در کردستان"، دسترس‌پذیر در Sorankurdistanai.com؛ کمال خالق‌پناه، "شناسه‌شناسی و تحلیل فیلم: بررسی شناسه‌شناختی فیلم لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند،"

پژوهشی غافل ماند. از جمله این نهادها مرکز پژوهش‌های گُردستان‌شناسی دانشگاه گُردستان،^{۱۸۱} انستیتو گُردستان در تهران،^{۱۸۲} و مرکز تحقیقات گُردستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج^{۱۸۳} است. در مرکز گُردستان‌شناسی دانشگاه گُردستان پژوهش‌ها و سمینارهای متعددی برگزار شده که از جمله این پژوهش‌ها و آثار می‌توان به تدوین فرهنگ فارسی-گُردی دانشگاه گُردستان اشاره کرد.

زمینه جغرافیایی—موضوعی مطالعات گُردشناسی در ایران

منظور از زمینه جغرافیایی—موضوعی مطالعات گُردی در ایران این است که مطالعات مذکور بیشتر در چه قلمرو جغرافیایی و موضوعی انجام شده‌اند. مرور مطالعات انجام شده در ایران در خصوص گُردستان ایران نشان می‌دهد که به لحاظ جغرافیایی بیشترین مطالعات با موضوعیت گُرد، گُردستان، قومیت، مبارزه سیاسی و توسعه درباره استان گُردستان و مناطق گُردنشین استان آذربایجان غربی انجام شده‌اند. در استان‌های ایلام و کرمانشاه مطالعاتی از این دست نسبتاً کمتر صورت گرفته است. در این دو استان گُردنشین، مطالعات علمی معطوف به گُردستان بیشتر در حوزه‌های باستان‌شناسی و به‌ویژه استان ایلام، فرهنگ روزمره، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی بومی، بهداشت و سلامت اجرا شده‌اند. برخی مطالعات مربوط به زنان گُرد را، که بیشتر بیان شدند، محققانی از استان کرمانشاه انجام داده‌اند. در مقایسه استان کرمانشاه و ایلام باید گفت که مطالعات در حوزه اجتماعی و فرهنگی در استان ایلام بیشتر از کرمانشاه است. در استان ایلام بررسی موضوعات و مسایل حاد اجتماعی، از جمله خودکشی و خودسوزی، از موارد محوری بوده‌اند.

در ایران، علاوه بر گُردهای ساکن در مناطق گُردستان، جمعیت زیادی از گُردها در مناطقی از خراسان شمالی و رضوی زندگی می‌کنند که ناشی از مهاجرت‌های تاریخی دوران صفویه و افشاریه است. آنها را گُردهای کرمانج نیز می‌نامند. در خصوص این دسته

گه‌مهی به‌رجسته‌کردنه‌وی قه‌یران“ در کتاب کوردستان (۱۳۸۲)، ۱۷۵-۱۹۶؛ ره‌به‌ر مه‌محمودزاده، ”ناوه‌ز مه‌ندی‌تی کوردی له نیوان ناوه‌پژۆکه ناوچه‌بیه‌کان و می‌تۆده جیهانییه‌کانده“ در کتاب کوردستان (۱۳۸۲)، ۴۱-۶۲.^{۱۸۱} این مرکز که در سال ۱۳۹۳ در سنندج تأسیس شده، دارای چهار دپارتمان در حوزه‌های تاریخ، ادبیات، معماری، اقتصاد و روابط بین‌الملل است و تا به حال دو همایش ملی و منطقه‌ای در حوزه‌های هورمان‌شناسی و سینمای گُردی برگزار کرده و کتاب‌هایی در حوزه‌های ادبیات گُردی منتشر کرده است.

^{۱۸۱} این مرکز از سال ۱۳۷۹ فعال است و هم اکنون دارای دو گروه پژوهشی مطالعات تاریخ و فرهنگ گُردستان و مطالعات راهبردی و توسعه و یک مجله با عنوان پژوهشنامه ادب گُردی است.

^{۱۸۲} این انستیتو در سال ۱۳۷۹ در تهران تأسیس شده است. از جمله فعالیت‌های آن انتشار دو شماره از مجله گُردستان است. شماره دوم این مجله در قالب یک کتاب با عنوان کتاب گُردستان به چاپ رسید که حاوی مقالات متعددی در حوزه‌های زبان، نظریات ادبی و روزنامه‌نگاری گُردی است. از جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: پره‌زا شه‌جیعی، ”پژۆنامه‌گه‌ری کوردی:

از کردها مطالعات نسبتاً کمتری از سوی نویسندگان کرد و غیرکرد انجام شده است. مطالعات انجام شده دربارهٔ این حوزه جغرافیایی گردنشین بیشتر در بُعد تاریخ و فرهنگ و با تأکید بر زبان و آداب و رسوم بوده است.^{۱۸۴}

حوزه مطالعاتی نویسندگان، به ویژه نویسندگان کردستان ایران در داخل و خارج از ایران، صرفاً به کردستان ایران ختم نمی‌شود. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، شماری از مطالعات تاریخی-سیاسی که در ایران دربارهٔ کردستان انجام شده عملاً معطوف به کردها در سایر کشورهاست. برخی از نویسندگان کرد ایران که در خارج از ایران سکونت دارند نیز مطالعات خود را نه تنها بر بخش کردستان ایران، بلکه بر بخش‌های دیگر کردستان و از جمله کردستان سوریه، ترکیه یا کردهای ساکن در دیاسپورا متمرکز کرده‌اند.^{۱۸۵} این امر می‌تواند ناشی از چند عامل باشد: نخست، اهمیت موضوع کرد و کردستان در سایر کشورها از جمله عراق و سوریه برای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و نتیجتاً پذیرش ترجمهٔ آثار یا اجرای پژوهش‌هایی در این زمینه در ایران؛ دوم، رویکرد فکری برخی از نویسندگان کرد بیشتر با وضعیت سیاسی و مبارزاتی کنونی کردها در کشورهایی همچون ترکیه و سوریه-غلبهٔ مبارزات چپگرا-تطابق دارد؛ سوم، جایگاه بین‌المللی بخش‌هایی از کردستان همچون کردستان عراق، سوریه و ترکیه که به لحاظ بین‌المللی در کانون مباحث خاورمیانه قرار گرفته‌اند با وضعیت کردستان ایران همسان نیست و از همین رو از نظر برخی نویسنده‌ها بیشتر شایستهٔ مطالعه است.

همین پدیده را در مطالعات گردشناسی داخل ایران نیز می‌توان مشاهده کرد. چنان که گفته شد، بسیاری از مطالعات نویسندگان کرد ایران در داخل ایران در خصوص کردستان بیشتر بر استان کردستان و بخش جنوب غربی استان آذربایجان غربی متمرکز است. ظاهراً هیچ یک از محققان کرد مطالعه‌ای جامع در خصوص کردستان ایران به معنای عام، یعنی استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و کرمانشاه و نیز دربارهٔ کردهای ایران که شامل کردهای خراسان هم باشد، صورت نداده‌اند. به همین علت نقطهٔ ثقل مطالعات کردی در ایران، یعنی مطالعاتی که شاخصهٔ کردی بودن موضوع در آن برجسته باشد و

مقام موسیقایی، شمارهٔ ۳ (۱۳۷۷)، ۱۰۶-۱۱۳.
¹⁸⁵Matin, *Kurds and American Liberalism*;
Khalid Khayati, *Kurds in France and Sweden*
(Linköping: Linköping University Press, 2008).

¹⁸⁴توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان؛ یوسف متولی حقیقی، "تأملی پیرامون علل و چگونگی مهاجرت کردها به خراسان"، فصلنامهٔ فقه و تاریخ تمدن، شمارهٔ ۲۳ (۱۳۸۹)، ۶۳-۸۹؛ سیاوش فاتحی، کوچندگان کرمانج (شیراز: کیان نشر، ۱۳۸۹)؛ کلیم‌الله توحیدی، "اهمیت و اصالت موسیقی کردی خراسان،"

عملاً از واژه "کرد" یا "کردستان" در آنها استفاده شده باشد، بر مناطق محدودی متمرکز بوده است. همین امر برای نویسندگان غیرکرد و کرد فعال در گفتمان‌های ناسیونالیسم ایرانی-فارسی و ناسیونالیسم کردی داخل و خارج ایران و حتی نویسندگان غربی نیز اتفاق افتاده است. آنان نیز تعریف جغرافیایی و موضوعی خاصی از کردستان در مطالعاتشان دارند. برای مثال، مطالعه کردشناسی در کارهای نویسندگان غیرکردی همچون احمدی، جلالی‌پور و انتصار بیشتر بر نیمه‌گردنشین استان آذربایجان غربی و استان کردستان و بر موضوع تاریخ و سیاست معاصر متمرکز بوده است. این دسته از نویسندگان مطالعاتی در خصوص استان‌های کرمانشاه و ایلام به عنوان بخشی از کردستان ایران انجام نداده یا توجهی به آن نداشته‌اند و یا شاید اصولاً این مناطق را به عنوان بخشی از کردستان تلقی نکرده‌اند. در این میان می‌توان از یک استثنا نام برد و آن مجموعه مقالاتی است که در پرونده ویژه‌های تحت عنوان "ایلام و کرماشان" در سال ۱۳۸۵ در زیربار منتشر شد و در آن استان کرمانشاه و ایلام به منزله بخش‌هایی از کردستان ایران مطالعه شدند. در پایان باید به این نکته مهم اشاره کرد که تمرکز نویسندگان و پژوهشگران بر بخش‌هایی از جغرافیای کردستان تا حد زیادی به نوع تلقی آنها از جغرافیای کردستان برمی‌گردد. نویسندگان غیرکرد در ایران ممکن است صرفاً استان کردستان و بخش‌های جنوبی و غربی آذربایجان غربی را کردستان تلقی کنند، اما نویسندگان کرد در ایران ممکن است تصور و تلقی وسیع‌تری از کردستان داشته باشند و از همین رو به بخش‌های دیگر کردستان در ایران، عراق یا ترکیه روی آورده باشند.

برآیند و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاش کرد تا حد امکان به صورتی همه‌جانبه مطالعات کردشناسی در ایران را مرور کند و در عین حال اذعان دارد که در ایران رشته‌دانشگاهی خاصی با عنوان کردشناسی وجود ندارد و نهادهایی که با این عنوان وجود دارند دو مرکز کردستان‌شناسی در استان کردستان و یک انستیتو در تهران است. در این مقاله اصطلاح "کردشناسی در ایران" برای همه مطالعاتی به کار رفته است که نویسندگان کرد در تمام بخش‌های کردستان کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه و نویسندگان غیرکرد ایرانی و غربی نوشته‌اند. به این منظور تلاش شد نه صرفاً به کتاب‌ها، بلکه تا حد امکان به مجلات محلی، سراسری و بین‌المللی به زبان‌های کردی، فارسی و انگلیسی نیز توجه شود. همچنین، سعی شد محتوای بسیاری از این مطالعات—تا آنجا که در دسترس بودند—مرور شود تا در صورت امکان نوع بازنمایی‌های کرد و کردستان در طیف‌های

گوناگون مشخص شود. بی‌شک، در اینجا طرح هیچ نوع گونه‌شناسی گفتمانی به صورت قاطع در خصوص این مطالعات ممکن نبود، چرا که چنین امری مستلزم کار و پژوهش بیشتر و فراتر از این مقاله است. با این حال، نتایج حاصل از این مطالعه را می‌توان در چند زمینه خلاصه کرد.

مطالعات کُردشناختی موجود در ایران از یک سو مدیون پژوهشگران دانشگاهی، محققان غیردانشگاهی کُرد و غیرکُرد، روزنامه‌نگاران، ناشران پیشرو و فعالان سیاسی در داخل و خارج از ایران است و از سوی دیگر، مدیون آثار چاپ‌شده در غرب و ترجمه‌شده در داخل و خارج از ایران به زبان‌های فارسی و کُردی. از همین رو، نباید از نقش مهم مترجمان در رشد این مطالعات غافل بود.

در ایران، چاپ و انتشار آثار ترجمه‌ای درباره کُردهای دیگر کشورهای عراق و سوریه و ترکیه فراوان است. همچنین، انتشار آثار تألیفی درباره کُردهای ایران که با گفتمان حاکم هم‌خوانی داشته باشد بلامانع است. بیشتر آثار این حوزه خاطرات مربوط به وقایع و رخدادها، اسناد شخصیت‌های سیاسی کُرد و به‌ویژه شخصیت‌های سیاسی کُرد قبل از انقلاب اسلامی ایران و شخصیت‌های سیاسی سایر بخش‌های کُردستان را شامل می‌شود.

قبض و بسط مطالعات سیاسی در خصوص کُردها و کُردستان ایران ارتباط تنگاتنگی با رویکردهای سیاسی دولت‌ها داشته است. بازخوانی کُردستان پس از انقلاب اسلامی ایران در کتاب‌ها، خاطرات و مطبوعات سراسری معتبر و تخصصی، آن هم به اشکالی که در مقاله به آن اشاره شد، بی‌شک بدون موافقت دستگاه‌های نظارتی و امنیتی صورت نمی‌گیرد.

اگر بیشتر مطالعات کُردشناختی نویسندگان غربی حاصل حضور دیپلماتیک، سیاسی و نظامی آنها در کُردستان در کشورهای ترکیه/عثمانی، عراق، سوریه و ایران بوده است، دقیقاً شمار قابل توجهی از آثار موجود درباره کُردستان ایران را که نویسندگان ایرانی غیرکُرد نوشته‌اند نیز به دست فرماندهان نظامی و نمایندگان دولت در کُردستان ایران نوشته شده‌اند. نگاهی به سه شماره نشریه چشم‌انداز ایران مؤید این ادعا است و دقیقاً نشان‌دهنده حضور همان نگاه شرق‌شناسانه در میان نویسندگان غیرکُرد ایرانی نسبت به کُردستان.

آثاری که نویسندگان غیرکُرد داخل و خارج از ایران در خصوص کُردهای ایران نوشته‌اند بیشتر در حوزه‌های تاریخ و سیاست معاصر می‌گنجد؛ یعنی کُردستان و کُرد به مثابه سوژه‌ای عمدتاً سیاسی-تاریخی. این توجه همواره در پیوند با جایگاه سوژه مذکور در

گفتمان دولت‌های حاکم ایران بوده است. مطالعاتی که نویسندگان کرد داخل ایران و تا حدودی در خارج از ایران نوشته‌اند، نه صرفاً بر حوزه تاریخ و سیاست، بلکه بر حوزه‌های دیگر اجتماع و فرهنگ، هنر و حتی محیط زیست و منابع طبیعی را متمرکز بوده است. به عبارت دیگر، از نظر نویسندگان کرد، کردستان و کرد نباید صرفاً چونان سوژه‌ای سیاسی مشاهده شوند. بر این اساس، چنانچه از داده‌های این مقاله برمی‌آید، در دهه اخیر مباحث و موضوعات جدیدی به حوزه مطالعات کردشناسی در ایران افزوده شده است.

رشد مطالعات کردشناسی در ایران تا حد زیادی مدیون رشد قشر دانش‌آموختگان کرد در داخل و خارج از کردستان است. نگاهی به حجم آثار منتشرشده، به‌ویژه در مجلات، گواه این مدعا است.

در آثاری که درباره کردستان ایران نوشته شده‌اند، می‌توان صداهای متفاوتی شنید: صدای کردهایی که در داخل ایران در حوزه‌های مختلف با رویکرد ناسیونالیسم کردی نوشته‌اند، صدای کردهایی که در داخل ایران در درون گفتمان ناسیونالیسم ایرانی قلم زده‌اند، صدای احزاب سیاسی کردی و نهایتاً صدای مطالعات غیرسیاسی داخل کردستان ایران.

مطالعات کردشناختی وسیعی در حوزه زبان و ادبیات کردی ظهور کرده است. این وضعیت را می‌توان در شمار روزافزون مجموعه فرهنگ‌های لغت، داستان‌های کوتاه، رمان، ادبیات کودکان، آثار فولکلور و ادبیات شفاهی مشاهده کرد. این حوزه همچنین شامل فرهنگ‌نویسی نیز می‌شود. قابل توجه اینکه بخش فراوانی از این مطالعات را پژوهشگرانی صورت داده‌اند که صرفاً بر حسب علائق شخصی—و البته تعهد اجتماعی—وارد عمل شده‌اند. مسلماً با تأسیس رشته دانشگاهی زبان و ادبیات کردی در دانشگاه کردستان امید گسترش هرچه بیشتر این حوزه وجود دارد. توجه روزافزون محافل روشنفکری به اهمیت تدریس و آموزش به زبان مادری و اهمیت چایگاه آن در ساخت هویت ملی یا قومی نقش قابل توجهی در رشد این حوزه از مطالعات کردشناسی داشته است.

در خلال دو دهه اخیر در کردستان ایران شاهد مطالعاتی هستیم که فارغ از مفاهیم غالب در گفتمان‌های سیاسی/تاریخی از پیش موجود، سعی در مطالعه واقیعیات اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی—باستانی کردستان دارند. این دسته از مطالعات از این رو خاص به نظر می‌رسند که در بسیاری موارد بنیانی علمی و دانشگاهی دارند. در این خصوص، آثاری چاپ و منتشر می‌شود که تا حد زیادی مستقیماً در صد روایری با نیازها و ضرورت‌های امروز جامعه کردستان‌اند. این دسته از آثار خارج از

گفتمان‌های سیاسی و هویتی مرسوم مرتبط با کردها قرار گرفته و در صدد شناخت کردها در مقام "شهروند" و کردستان به مثابه "جامعه" یا "فرهنگ" در کلیت آن‌اند. این دسته از مطالعات مسایل و مشکلات متعارف فرد کرد را در جامعه کنونی کردستان به منزله مسایل شهروندی یا مرتبط با جامعه مدنی به تصویر می‌کشند. اینکه این گفتمان چه نامی خواهد داشت چندان اهمیت ندارد، مهم آن است که جریان نظری جدیدی در مطالعات جامعه کردستان ایران بروز کرده که در آن کردستان چونان جامعه‌ای مشابه سایر اجتماعات با مختصات فرهنگی، اقتصادی حقوقی و اجتماعی خاص خود تعریف می‌شود.

نهایتاً اینکه اگر زمانی کردها به صورت "دیگری" مطالعه می‌شدند، امروز شاهد تبدیل این "دیگری" به محقق هستیم. به عبارت دیگر، امروزه بسیاری از مطالعات کردشناختی را خود کردها صورت می‌دهند. در چنین وضعیتی، شاهد برون‌رفت از گفتمان صرفاً سیاسی و تاریخی و روی‌آوری به مطالعات مرتبط سایر با نهادهای اجتماعی در کردستان هستیم.